

آل حُسام خاندانی شیعی از جبل عامل

محمد کاظم رحمتی

درآمد

پژوهش در تاریخ تشیع و گاه برخی جنبه‌های خاص در سنت‌های عملی شیعیان در سده‌های گذشته، به دلیل نبود منابع کافی، مهمترین مشکلی است که محققان حوزه تاریخ تشیع را به خود مشغول کرده است. با این حال مراجعه به نسخه‌های خطی و گردآوری اطلاعات مختلفی که در آنها آمده می‌تواند بخشی از مشکل کمبود منابع را برطرف کند. همچنین برخی سنت‌های خاص عملی جوامع شیعه را می‌توان براساس اطلاعاتی که در انجنامه‌ها یا آغاز نسخه‌های خطی شیعی آمده، شناسایی کرد. نوشتار حاضر پژوهشی در باب خاندان آل حسام، یکی از خاندان‌های عریق علمی جبل عامل است که دست کم چند سده در عرصه فرهنگی حضور داشته و از مشایخ اجازه و روایت بوده‌اند. توجه به نسخه‌های خطی برای یافتن اطلاعات در باب خاندان‌های شیعه مطلبی است که توجهم به آن براساس مقاله‌ای از استاد ارجمند سید حسین مدرسی طباطبائی جلب شد که سالها پیش مقاله‌ای در باب خاندان فتحان قمی براساس مراجعه به نسخه‌های خطی که به نوعی با افراد این خاندان در ارتباط بوده نگاشته‌اند؛^۱ موضوعی که درباره برخی از خاندان‌های شیعی یا برخی شخصیت‌های

مجله علمی-تخصصی
شماره ۳۲

۱. سید حسین مدرسی طباطبائی، «خاندان فتحان»، قیامت (مجموعه مقالات درباره قم) (نیوجرسی: مؤسسه انتشاراتی زاگرس، ۱۳۸۶ش)، ص ۷-۳۶ و تکملاً آن مقاله در همان کتاب با عنوان «مدارک نویافته درباره خاندان فتحان»، ص ۳۷-۴۸. توجه به نسخه‌های خطی حتی می‌تواند اطلاعات ما درباره گرایش‌های کلامی و تاریخ نگاری برخی خاندان‌های شیعی را افزونتر کند. نمونه‌ای از

برجسته امامی می‌تواند به عنوان الگوی مورد توجه قرار گیرد و گردآوری اطلاعاتی از این دست می‌تواند مطالب بسیاری برای پژوهش در اختیار ما قرار دهد.^۱



این دست‌نویس خاندان بنو‌العود است که نسخه‌ای مشتمل بر مجموعه‌ای از رساله‌های کتابت شده توسط افرادی از این خاندان به تفصیل توسط سید حسین مدرسی طباطبائی و زاینه اشمنیکه مورد بررسی قرار گرفته است. بنگرید به: سید حسین مدرسی طباطبائی، «مفاوضه ای در مسأله شیئیت معدوم»، همو، کتابیات (مجموعه مقالات در زمینه کتاب شناسی) (نیوجرسی: انتشارات زاگرس، ۱۳۸۷ش)، ص ۳۹-۷۰؛

Sabineh Schmidtke, "The doctrinal views of the Banu I- Awd (early 8th/14th century): an analysis of ms Arab. f. 64 (Bodleian Library, Oxford)", in: Le shi isme imamite quarante ans après. Hommage à Etan Kohlberg, Eds. Mohammad Ali Amir-Moezzi, Meir Bar-Asher, Simon Hopkins. Turnhout: Brepols, 2009, pp. 357-382.

۱. از میان شخصیت‌های برجسته شیعه، علامه حلی (متوفی ۷۲۶) را باید نام برد که لازم است تا پژوهشی کامل از نسخه‌های خطی آثار ایشان صورت گیرد و اطلاعات مختلف آمده در انجامة‌ها یا آغاز نسخه‌های کهن کتابت شده ایشان به صورت کاملی استخراج شود. پژوهش مهم مرحوم سید عبدالعزیز طباطبائی با عنوان مکتبه العلامة الحلی (قم، ۱۴۱۶) قدم مهمی در انجام چنین کاری است و آثار بسیار کهنی از علامه در دست است که شاگردان او کتابت کرده‌اند که گردآوری کامل اطلاعات آمده در انجامة این آثار می‌تواند برای تحقیق بیشتر در خصوص تاریخ تشیع در قرن هفتم و هشتم مفید باشد. به عنوان مثال یکی از شاگردان علامه حلی، شخصی است به نام ابوالفتح احمد بن ابی عبدالله بلکوبن ابی طالب آری که مجموعه‌ای مشتمل بر قواعد المرام فی علم الکلام این میثم بحرانی؛ مبادی الوصول الی علم الاصول علامه ونهج المسترشدين فی اصول الدین همورا کتابت کرده و دو کتاب اخیر رانزد علامه و فرزندش خوانده و اجازه روایت دریافت کرده است. مجموعه اخیر به شماره ۴ در کتابخانه آیت الله مرعشی موجود است. وی در پایان کتاب قواعد المرام، در اشاره به جایگاه ابن میثم بحرانی و زمان تألیف و کتابت نسخه توسط خود نوشته است: «..اتفق فراغ مصنفه و مؤلفه مولا ملک العلماء الدهر مفتی الطوائف، کاشف الحقائق و اللطائف، کمال الملة و الدین میثم بن علی بن میثم البحرانی -تغمده الله برحمته و اسکه ببحوثة جنته- بدینة السلام فی العشرین من ربیع الاول سنة ست و سبعین و ستمائة و وقع الفراغ من کتابته ظهر یوم العشرین من رجب المرجب لسنة سبع عشر و سبعمائة بسلطانية رحم الله محدثها علی یدی صاحبه ابی القنوح احمد بن ابی عبدالله بلکوبن ابی طالب الآری بورک له و بائنامله بحق محمد و آله». برخی کاتبان انجامة نویسنده در خصوص زمان نگارش کتاب را حذف می‌کرده‌اند به همین دلیل نسخه‌هایی که به نوعی به زمان نگارش کتاب اشاره دارند، اهمیت خاصی از جهت روشن کردن زمان نگارش کتاب یا حتی گاه زمان تقریبی حیات نویسنده دارند. مرحوم آقابزرگ در ذیل القواعد الالهیه فی الکلام و الحکمة ابن میثم بحرانی به برخی نسخه‌های کهن و زمان تألیف کتاب اشاره کرده است. بنگرید به: الذریعة، ج ۱۷، ص ۱۷۹. نسخه‌ای کهن از کتاب قواعد المرام کتابت شده در ۶۹۹ در اختیار مرحوم فخرالدین نصیری بوده است. ابن میثم بحرانی کتاب قواعد را به درخواست عزالدین ابوالمظفر عبدالعزیز بن جعفر بن لیث اشتری نیشابوری (متوفی ۶۷۲) نوشته است (برای شرح حال کوتاه او بنگرید به: محمد بن احمد ذهبی، تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الاعلام، تحقیق بشار عواد معروف (بیروت، ۲۰۰۳/۱۴۲۴)، ج ۱۵، ص ۲۴۳) و براین اساس تاریخ تألیف کتاب که ابن بلکو ۶۷۶ ذکر کرده باید ۶۶۶ باشد چرا که با توجه به تقدیم کتاب به عبدالعزیز بن جعفر به نظر می‌رسد که ابن بلکو در نگارش کلمه ستین به سبعین مرتکب خطا شده است (بنگرید به: عبدالزهراء عویناتی، ابن میثم البحرانی: حیات و آثاره (قم، ۱۳۹۳ش)، ص ۱۴۸). در سنت تراجم نگاری، بخش مهمی از اطلاعات در خصوص افراد بر اساس مطالب آمده در انجامة کتابهای خود شخص تنظیم می‌شده است. نمونه‌ای مهم از این سنت، کتاب ریاض العلماء افندی و کتاب طبقات اعلام الشیعة مرحوم آقابزرگ طهرانی است.



سنت های عملی جوامع شیعی پیش از صفویه و شکل همزیستی شیعیان در جوامع سنی نشین هر چند موضوعی است که اطلاعات مکتوب چندانی در خصوص آن در منابع نیست اما موضوع جالب توجهی است که شایسته تأمل است. به راستی شیعیان در ساختار اداری حکومت های عصر پیش از صفویه چگونه امکان حضور داشته اند؟ پاسخ به این پرسش به نوع شیوه رفتاری مشهور شیعه یعنی تقیه بازمی گردد اما اساساً شواهد مربوط به تقیه توسط خود عالمان یا افرادی که چنین می کرده اند، از میان رفته جز آنکه اطلاعات گاه جسته و گریخته ای در این خصوص در کتابهای تراجم باقی مانده و گاه برخی مکتوبات کتابت شده در هنگام تقیه در خارج از جوامع شیعی نشین باقی مانده است.^۱ به واقع پیش از صفویه عالمان

۱. به عنوان مثال در دوره عثمانی عالمان امامی ساکن در شام برای اخذ سمت های تدریس فقه شافعی در مدارس شام، به عنوان راهی کم خطرتر خود به استانبول سفر کرده و از قاضی عسکر حکم تدریس در جایی را دریافت می کردند. آنها می توانستند از قاضی محلی (عرض) یا معرفی نامه ای اخذ کنند که در آن وی آنها را به عنوان فردی شناخته شده از عالمان شافعی تأیید می کرد اما روش مذکور مخاطرات فراوان تری داشت، از این رو پس از اخذ اجازات از همتایان سنی خود، ترجیح می دادند در صورت تمایل به اخذ سمت تدریس در مدارس شام یا عراق، به استانبول سفر کرده و با نشان دادن اجازات عالمان سنی به خود و تألیف اثری مختصر که توانایی علمی آنها را نشان می داد، به خواسته خود دست یابند. البته شیوه نگارش اثری برای دریافت مقرری یا سمت تدریس در میان خود عالمان اهل سنت نیز متداول بوده است. از این موارد نسخه ای از کتاب نُور الحقیقة و نُور الحدیقة از حسین بن عبدالصمد حارثی عاملی در دست است که او در سفر نخست خود به استانبول در ۱۲ ذی القعدة ۹۴۵ کتابت کرده که اثری مختصر و تألیف خودش بوده است. او تحریر اولیه کتاب را اندکی قبل یعنی سه ماه قبلتر در ۳ رمضان ۹۴۵ ظاهراً در جعب به رشته تحریر در آورده بود. از تحریر نخست که در رمضان ۹۴۵ به پایان رسیده نسخه به خط خود حسین بن عبدالصمد اکنون در کتابخانه چستریتی ۳۸۲۰ باقی مانده و در تحریر کتابت شده در ذوالقعدة ۹۴۵ نیز نسخه ای به خط خود حسین بن عبدالصمد در کتابخانه لایدن، نسخه های شرقی ۹۷۹ در دست است. دو نسخه همانند هم هستند جز آنکه نسخه لایدن تقدیمه به سلطان سلیمان قانونی دارد و در انجامة آن حسین بن عبدالصمد خود را شافعی حارثی معرفی کرده است (برای بحث تفصیلی از این مطالب بنگرید به: دون استوارت، «نکاتی درباره حیات عالمان امامی در قلمرو عثمانی»، ترجمه محمد کاظم رحمتی، پیام بهارستان، دوره دوم، سال چهارم، شماره ۱۴ (زمستان ۱۳۹۰ ش)، ص ۱۶۶۳-۱۶۹۰). یحیی بن حمید مشهور به ابن ابی طی (متوفی ۶۳۰) در شرح حال اشرف بن اغرعلوی مشهور به تاج العلی (متوفی ۶۱۰) نوشته که چندین بار نهج البلاغه را نزد او خوانده و فهرستی از آثار تألیف شده تاج العلی را به نقل از خود وی آورده و گفته چون از تاج العلی درخواست کرد که تا به او رخصت دهد آثارش را استنساخ کرده و نزدش بخواند، تاج العلی عذر خواست و گفت که او نزد حاکمان سنی شام به امور دیوانی مشغول است و دادن اجازه شاید برای او مشکلی ایجاد کند (فسألته أن یأذن لی فی نسخ هذه الكتب وقرأتها، فاعتذر بالثقیة وأنه مستزرق من طائفة النصب ...)، بنگرید به: محمد بن احمد ذهبی، تاریخ الاسلام ووفیات المشاهیر والأعلام، حقه بهشار عواد معروف (بیروت: دار الغرب الاسلامی، ۲۰۰۳/۱۴۲۴)، ج ۱۳، ص ۲۳۶. حافظ ابوطاهر سلفی (متوفی ۵۷۶) در کتاب سؤالات خود از خمیس بن علی حوزی (متوفی ۵۱۰) از وی درباره ابن شانده ابوالعالی محمد بن عبدالسلام احمولیه اصفهانی (۳۹۶- و متوفی پس از ۴۸۰ و پیش از ۴۸۵) پرسش کرده و حوزی، ابن شانده را از اعیان (کان رئیساً محتشماً) و فردی ثقه و صدوق معرفی کرده و به برخی از اصول روایت شده از او چون تاریخ ابن ابی خیثمه اشاره کرده و گفته که پس از مرگش در خانه او نسخه سماع شده اثر اخیر



امامی بنا بر سستی کهن برای گذران زندگی و یا مشکلات احتمالی که می توانست زندگی آنها را تهدید کند، به تحصیل نزد عالمان سنی - عموماً شافعی - پرداخته و ضمن تبحر در فقه شافعی و تدریس آن برای امرار معاش روزانه، به اخذ اجازات از عالمان سنی اهتمام خاصی داشته اند، رسمی که در میان جوامع شیعه نشین خارج از صفویه، حتی پس از تشکیل دولت صفویه و تا ادوار اخیر همچنان تداوم داشته است.^۱ شواهد از این سنت و مکتوباتی که بتواند چنین رسمی

را نیز دیده است. ابن شانه به واسطه عمویش از ابو محمد هارون بن موسی تلعبیری (متوفی ۳۸۵) نیز اجازه روایت برخی آثار شیعی را داشته است. حوزی خود برخی آثار روایی شیعه را نزد ابن شانه دیده و به قصد تورق و مطالعه دست گرفته که ابن شانه آنها را از دستش کشیده و به او گفته بود، دفاتر مذکور به کار او نمی آید (و کان عنده عن عمه عن ابي محمد التلعکبری مصنف الرافضة کتاب من علمهم لا یسمعها أحداً، و مددت یدی إليها یوماً فاستلما من یدی و قال: هذا لا یصلح لک). ابن شانه تقیه می کرده و خود را سنی معرفی می کرده است (و کان یتظاهر بالسنّة). بنگرید به: سوالات الحافظ السلفی لخمیس الحوزی عن جماعة من أهل واسط، تحقیق مطاع الطرابیسی (دمشق، ۱۳۹۶/۱۹۷۶)، ص ۱۶-۱۷. همچنین در کتاب اخیر در خصوص برخی دیگر از عالمان واسط، به تشیع و در عین حال اظهار تسنن آنها اشاره شده چون ابوعلی احمد بن ابی الحسن محمد بن علان شاهد که حوزی در اشاره به او گفته: «و کان یترفض و یکتمه» و به روایت جزئی حدیثی از او اشاره کرده که دال بر تشیع او بوده (ص ۲۷-۲۸) یا ابوعلی اسماعیل بن محمد ابن کماری (متوفی ۴۶۸) که پس از مرگش مطالبی به خط او در دست حوزی بوده که دلالت بر تشیع او داشته است (و رأیت بخطه بعد موته أشياء تدل علی رفضه) (ص ۳۳) (مصحح شناختی از ابو محمد هارون بن موسی تلعبیری نداشته و طریق ابن شانه به او را بر اساس عبارتی تصحیف شده از ذهبی در سیر اعلام النبلاء، ج ۱۱، ص ۲۸۷ تغییر داده و عبارت عن عمه عن ابي محمد التلعکبری را به عن عمه ابي محمد التلعکبری اصلاح کرده که نادرست است. همین خطای او باعث تردید مرحوم سید عبدالعزیز طباطبائی در خصوص روایت ابن شانه از تلعبیری و اینکه تلعبیری عموی او باشد، شده است. بنگرید به: السید عبدالعزیز الطباطبائی، معجم اعلام الشيعة (قم: مؤسسة آل البيت عليهم السلام لاحیاء التراث، ۱۴۱۷)، ص ۳۹۱-۳۹۲). عالم و ادیب امامی قرن چهارم ابوالحسن اسحاق بن ابراهیم بن سلیمان بن وهب کاتب در کتاب البرهان فی وجوه البیان، تحقیق احمد مطلوب و خدیجه حدیثی (بغداد، ۱۳۸۷/۱۹۶۷) در چند جای کتاب (ص ۲۵۸، ۲۷۷-۲۷۸، ۲۹۱، ۴۰۳-۴۰۴) خود به تقیه و موارد آن چون مواجهه با سلطان و یا مخالفین اشاره کرده و همین سنت عملی متداول امامیه عراق را بیان کرده است. درباره خاندان آل وهب و اهمیت آنها بنگرید به: یونس احمد السامرائی، آل وهب من الأسر الأدبیه فی العصر العباسی (بغداد: مطبعة المعارف، ۱۹۷۸).

۱. عالمان امامی اجازات مورد بحث را عموماً با معرفی خود به شافعی و بسیاریه ندرت حنفی از همتایان سنی خود اخذ کرده اند. اجازات مورد بحث کارکرد های مختلفی داشته است. عالمان شیعه با اخذ اجازات می توانستند در مدارس اهل سنت به عنوان مدرس که عموماً فقه شافعی را تدریس می کرده اند، حضور پیدا کنند و از مستمیری اختصاص یافته به مدارس که عموماً بر اساس وقف نامه هایی که برای مدارس موجود بوده و در آن شرایط وقف نیز عموماً ذکر می شده، امرار معاش کنند. همچنین در مواقع خطری اتهام شیعه بودن می توانستند با رایه اجازات مذکور از خطر مرگ رهایی پیدا کنند. نمونه ای بسیار جالب توجه از این اجازات، اجازه شیخ بهایی است که در هنگام حضور خود در بیت المقدس از شیخ شافعیان آنجا دریافت کرده و خود و همراهش را از اعقاب غزالی و شافعی معرفی کرده است. برای متن اجازه اخیر بنگرید به: محمد باقر مجلسی، بحار الانوار (بیروت: مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۳/۱۹۸۳)، ج ۱۰۶، ص ۹۷-۱۰۰؛

D. J. Stewart, "Taqiyah as performance: the travels of Bahā' al-Dīn al-Āmilī in the Ottoman Empire (991-92/1583-85)," Princeton Papers: Interdisciplinary Journal of Middle Eastern Studies 4, 1996, pp.1-70.

را نشان دهد، البته اندک است اما گردآوری آنها می تواند تصویری روشن از این جنبه تاریخ تشیع را در اختیار ما قرار دهد. توجه به چنین مباحثی می تواند دریچه جدیدی به پژوهش در خصوص تاریخ تشیع بینجامد. همچنین توجه به سنت های علمی متداول در اعصار گذشته نقش مهمی در فهم مسائل جوامع شیعه نشین دارد و به واقع شیعیان نیز از همان سنت های متداول جوامع سنی نشین برای حضور در مراکز فرهنگی بهره می برده اند. در سده های گذشته نظام مدارس اساسا بر اساس موقوفات تعیین شده برای آنها تأمین می شده است. در وقف نامه های مدارس، واقف بر شرایط وقف و اینکه چه گروهی حق استفاده از موقوفات مدارس را دارند، اشاره می کرده است. عموماً مدارس بر اساس گرایش مذهبی بانیان آنها به یکی از فرق اهل سنت اختصاص می یافته است. در مواردی که حتی در وقف نامه به تدریس مذاهب اربعه اشاره می شده، در صورتی که متولیان مذهبی می توانستند، از حضور مذاهب دیگر جلوگیری می کردند. در شام و مصر پس از سقوط فاطمیان، دولت های حاکم زنگی، ایوبی و بعدها ممالیک سیاست جدی مدرسه و خانقاه سازی را دنبال کردند. ساختن مدارس بخشی از تلاش برای کسب مشروعیت و وجهه سیاسی حکمران نیز بود و حمایت فقیهان و به طبع آن مردم عادی را در پی داشت. گاه ساخت مدارس اهداف مشخص تری را دنبال می کرد. به عنوان مثال شهر حلب که یکی از معدود مراکز شیعه نشین شام در قرون سوم تا ششم هجری بود، با سیاست های منظم اتخاذ شده نورالدین زنگی و بعدها ایوبیان و با بهره گیری از سیاست ساخت مدارس به شهری سنی نشین بدل شد.^۱

۱. ابن عساکر (متوفی ۵۷۱) معاصر نورالدین محمود زنگی (متوفی ۵۶۹) به هنگام نگارش تاریخ مفصل شهر دمشق، از نورالدین محمود نام برده و مدخلی به شرح حال او اختصاص داده است و از وی به جملات دعایی دال بر حیاتش سخن گفته که نشان می دهد که بخش اعظم تاریخ مدینه دمشق پیش از ۵۶۹ تألیف شده است. ابن عساکر در ضمن شرح حال نورالدین در خصوص تلاش های او در شهر حلب و محدود کردن شیعیان آنجا نوشته است: «وأظهر بحلب السنة حتى أقام شعار الدين، وغیر البدعة التي كانت لهم فی التأذین، وقمع بها الرافضة المبتدعة، ونشر فيها مذاهب أهل السنة الأربعة، وأسقط عنهم جميع المون ومنعهم من التوثب فی الفتن، وبنى بها المدارس ووقف الأوقاف وأظهر فيها العدل والإیصاف». بنگرید به: ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، تحقیق علی شیری (بیروت: دار الفکر، ۱۴۲۱/۲۰۰۰)، ج ۵۷، ص ۱۲۰. ساخت نخستین مدرسه شافعیان شهر در سال ۵۱۶ به نام مدرسه زجاجیه و در محله مهم شیعه نشین شهری یعنی سوق الزجاجین و توسط والی حلب ابوالربیع سلیمان بن عبدالجبار بن ارتق شروع شد. هنگامی که او به ساختن مدرسه مشغول بود، به دلیل قدرت شیعیان، هر شب آنچه که در روز ساخته شده بود، ویران می شد تنها پس از درخواست از شریف علوی شهری یعنی زهره بن علی بن محمد بن ابی ابراهیم اسحاقی حسینی (متوفی ۵۴۰) و اینکه خود او مسئولیت ساخت مدرسه را برعهده گیرد، مدرسه ساخته شد. بعدها عمادالدین زنگی (متوفی ۵۴۱) در سال ۵۲۲ جنازه پدرش را که در قرنیه مدفون بود، به حلب منتقل کرد و در مدرسه مذکور به خاک سپرد و ویر موقوفات مدرسه افزود. پیشتر نیز در سال ۵۰۹ شمس الخاصة لأولئ نخستین



دربارهٔ خاندان های شیعی در قرون هشتم تا دهم هجری در شام و جبل العامل به نحو خاص، عمده اطلاعات در اختیار ما مبتنی بر مطالبی است که شیخ حرعاملی (متوفی ۱۱۰۴) در کتاب امل الآمل خود گردآوری کرده است. شیخ حر در تنظیم مطالب خود بر اجازات حدیثی و مطالب شفاهی و نسخه های خطی در دسترس خود تکیه داشته و علیرغم تلاش های فراوانی برای تکمیل اطلاعات کتاب خود که دست کم چهار تحریر از آن در نسخه های خطی مختلف امل الآمل قابل شناسایی هست، اطلاعات بسیاری از عالمان جبل عامل میان

خانقاه رادر محلهٔ سوق البلاط شهر آغاز کرده بود. فقیه شافعی نامورشرف الدین ابن عجمی (متوفی ۵۶۱) تا زمان مرگش در آنجا به تدریس مشغول بود. نورالدین محمود زندگی نیز مدرسهٔ مهم عسرونیة رادر حلب و چندین شهر مهم شام بنا کرد و ادارهٔ امور آنها را به عبدالله بن ابی سری محمد بن ابی عصرون شافعی (متوفی ۵۷۰) قرارداد (دربارهٔ مدارس عسرونیة در شام و اهمیت آنها بنگرید به: صادق احمد داود جوده، المدارس العسرونیة فی بلاد الشام (بیروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۶/۱۹۸۶). در کنار ساخت مدارس، ساخت خانقاه های مختلف در شهر حلب نیز در همین دوران آغاز شده بود. شرح مبسوطی از مدارس و خانقاه های حلب توسط عزالدین محمد بن علی مشهور به ابن شداد (متوفی ۶۸۴) در کتاب الأعلاق الخطیة فی ذکر امراء الشام و الجزیره، حقهه یحیی زکریا عبارة (دمشق: منشورات وزارة الثقافة، ۱۹۹۱)، ج ۱، قسم اول، ص ۲۳۳-۲۳۸، ۲۴۱-۲۸۷ آمده است. هنری میشل خیاط به تفصیل سیاست های گام به گام در ساخت مدارس اهل سنت در حلب و تلاش های متقابل شیعیان را بر اساس مطالب نقل شده از ابن ابی طی که مورخان بعدی خاصه ابن فرات در کتابهای خود نقل کرده اند، مورد بررسی قرار داده است. شیعیان در سال ۵۴۳، ۵۵۲ و ۵۶۹ پس از مرگ نورالدین محمود زندگی قیام کرده بودند. شیعیان شهریه رهبری قاضی ابوالفضل ابن خشاب از خاندان سرشناس شیعی شهر که عهده دار امور قضات شهر بودند، رهبری می شد. شیعیان نخست به خانهٔ قطب الدین ابن عجمی و بهاء الدین ابویعلی ابن امین الدولة دو فقیه سنی منتفذ شهر هجوم بردند و سنگباران کردند. سربازان حکومتی به سرعت خود را به خانهٔ قاضی ابوالفضل رسانده و او مجبور به پنهان شدن از دست آنها شد، پیش از آنکه سربازان حکومتی بتوانند اوضاع را آرام کنند، دو طرف تعدادی از یکدیگر را کشته بودند و بخشی از بیرون شهر نیز غارت شده بود (بنگرید به: شمس الدین محمد ذهبی، تاریخ الإسلام و وفیات المشاهیر و الأعلام، حقهه بشار عواد معروف (بیروت: دار الغرب الإسلامی، ۲۰۰۳/۱۴۲۴)، ج ۱۲، ص ۲۳۳). اندکی بعد در ۵۷۰ ملک شاه فرزند جواتر نورالدین محمود زندگی از دمشق به حلب رسید و کسانی را که در شورش اخیر دست داشتند، مورد عقاب قرارداد و برخی را به زندان افکند و قاضی ابوالفضل را اعدام کرد. بنگرید به:

Henri Michel Khayat, "The Si'ite rebellions in Aleppo in the 6th A. H. /12th A. D. century," *Revista degli Studi Orientali*, 46 (1971), pp.167-195.

همین مطالب توسط کارله هیلنبرند مورد تاکید قرار گرفته است. بنگرید به:

Carole Hillenbrand, "The Shi'ite Rebellions of Aleppo in the Zengid Period: Some Unexploited Textual and Epigraphic Evidence," in: *Difference and Dynamism in Islam: Festschrift for Heinz Halm on his 70th Birthday*, Edited by ., Hinrich Biesterfeldt and Verena Klemm (Würzburg: Ergon-Verlag, 2012), pp.163-179.

اثر مهم ابن ابی طی کتاب معادن الذهب منبع مهمی برای مورخان پس از او عزالدین ابن شداد (متوفی ۶۴۸)، سبط ابن عجمی (متوفی ۸۸۴)، ابن شحنه (متوفی ۸۹۰) و ابن فرات (متوفی ۸۰۷) در کتاب مفصلش تاریخ الدول و الملوک بوده است. بخش هایی از کتاب ابن فرات منتشر شده اما بخشی از تاریخ مفصل او در نسخه ای خطی به شماره ۱۱۸ کتابخانهٔ وینا (Vienna A.F. 118) موجود است که مطالب مفصلی از ابن ابی طی در آن نقل شده است.

قرن هشتم تا دهم از کتاب وی از قلم اقتاده است.^۱ همچنین دقت در کتاب امل الآمل نشانگر آن است که کتاب در حقیقت تاریخ چند خاندان برجسته شیعی در جبل عامل است و البته افراد دیگر که عموماً با این بیوتات علمی شیعه در ارتباط هستند، نیز مورد توجه قرار گرفته اند. با این حال اطلاعات گاه اندک در اختیار شیخ حرا باعث شده که در مواردی او نتواند اطلاعات تفصیلی در اختیار ما در خصوص برخی از خاندان های مهم جبل عامل قرار دهد که از میان این خاندان ها، خاندان آل حُسام که از قرن هشتم تا قرن یازدهم حضوری پرزنگ در جبل عامل داشته اند را باید برشمرد. اطلاعات جسته و گریخته بسیاری در خصوص این خاندان علمی در میان نسخه های خطی وجود دارد. سرسلسله این خاندان عالمی است به نام جمال الدین ابراهیم ابن ابی الغیث حسام بخاری (زنده در ۷۳۶). مطلب قابل تأمل در خصوص او شهرت بخاری است که ظاهراً ناشی از تصحیف پدید آمده توسط مصححان آثاری باشد که شرح حال وی در آنها آمده است و به گمانم قرائت نجاری در نام او صحیح تر باشد. کهن ترین اشاره به او توسط قطب الدین یونینی (متوفی ۷۲۶) و شمس الدین ذهبی (متوفی ۷۴۷) در ذیل بحث از نجیب الدین ابوالقاسم بن حسین بن عود اسدی حلی (متوفی ۶۷۹) آمده است. یونینی خود با نجیب الدین دوستی داشته و مطالب خود را به نقل یکی از

۱. تحریر دوم کتاب امل الآمل در اختیار صاحب الروضات الجنات بوده و او در شرح حال حسن بن علی مشهور به ابن عشره کسروانی عاملی به نقل از آن نوشته است: «... وفي أمل الآمل: أنه كان فاضلاً زاهداً قمعهاً وكانت أمه ولدت في بطن واحد عشرة أولاد في غشاء من جلد رقيق، فعاش منهم واحد ومات الباقي فلذلك سمي ابن العشرة، يروي عن ابن فهد». روضات الجنات، ج ۱، ص ۷۳. شیخ حر در تحریرهای بعدی کتاب امل الآمل توضیح آمده درباره علت شهرت حسن بن علی بن یوسف کسروانی را حذف کرده و نام او را در جلد دوم امل الآمل - مجلدی که به فقیهان غیر عاملی اختصاص دارد - دوباره به دلیل تفاوتی که در نام وی در سلسله اجازات بوده، به احتمال تعدد آورده است. بنگرید به: امل الآمل، ج ۲، ص ۶۷، ۷۵. شمس الدین محمد بن علی جبعی / جباعی در مجموعه خود تاریخ درگذشت عزالدین حسن بن احمد بن یوسف مشهور به ابن عشره کسروانی را سال ۸۶۲ در کرک نوح آورده است. بنگرید به: بحار الانوار، ج ۱۰۴، ص ۲۰۹-۲۱۰. متن متداول چاپی بر اساس تحریر سوم کتاب است. تحریر چهارم به شماره ۵۹۹ در کتابخانه ملک و تحریر پنجم در کتابخانه مدرسه نمازی خوی به شماره ۲۶۴ موجود است. درباره اینکه دیگر نسخه های کتاب بر اساس چه تحریری هستند، نیاز به بررسی نسخه های می باشد و ظاهراً به دلیل آنکه آغاز و انجام متن در تحریرهای سوم تا پنجم یکی است و تنها در مطالب کتاب اضافات وجود دارد، توجه فهرست نگاران به این مطلب جلب نشده است. برای گزارشی از نسخه های امل الآمل بنگرید به: مصطفی درایتی، فهرستگان نسخه های خطی ایران (فنخا) (تهران، ۱۳۹۰ ش)، ج ۴، ص ۹۲۵-۹۲۸. تحریر اول و دوم کتاب امل الآمل به خط شیخ حر عاملی در کتابخانه مجلس سنای سابق به شماره ۴۱۱ در مجموعه ای با عناوین جزامل الآمل موجود است. بنگرید به: محمد تقی دانش پژوه و بهاء الدین علمی انواری، فهرست کتابهای خطی کتابخانه مجلس سنا، ج ۱، ص ۲۴۷.

دوستانش درباره نجیب الدین و مشاهدات خود نقل کرده است. ذهبی اشاره ای به اینکه منبع او در خصوص هر دو فقیه امامی چه بوده، ندارد جز آنکه در آخر مطالب خود تاریخی متفاوت برای درگذشت نجیب الدین به نقل از یونینی آورده اما کاملاً از سیاق عبارات های آمده در شرح حال می توان دریافت که او از کتاب ذیل مرآة الزمان یونینی در نقل مطالب بهره برده که گزارشی بسیار مختصر از مطالب یونینی را نقل کرده است.^۱

نواده او زین الدین جعفر بن حسام عاملی عینائی که شیخ حرب بسیار کوتاه از وی در امل الآمل (ج ۱، ص ۴۵) سخن گفته و او را از بزرگان مشایخ (من المشایخ الأجلاء) معرفی کرده و اشاره نموده که وی به واسطه سید حسن بن ایوب بن نجم الدین حسینی از شهید اول نقل روایت کرده است.^۲ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی در ضمن مجموعه طباطبائی به شماره ۱۱۵۸ نسخه ای از تهذیب الوصول الی علم الأصول علامه حلی (متوفی ۷۲۶) موجود است

۱. بنگرید به: محمد بن احمد ذهبی، تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الأعلام، تحقیق بشار عواد معروف (بیروت: دار الغرب الاسلامی، ۱۴۲۴/۲۰۰۳)، ج ۱۵، ص ۳۸۱-۳۸۲. درباره نجیب الدین اسدی همچنین بنگرید به: صلاح الدین خلیل بن آیبک الصفدی، کتاب الوافی بالوفیات، باعتماد محمد عدنان البیختی و مصطفی الحیاری (بیروت، ۱۴۱۳/۱۹۹۳)، ج ۲۴، ص ۱۲۱. صفدی بیت نخست شعر مشهور ابراهیم بن حسام ابی الغیث در زنی نجیب الدین را نقل کرده است. در خصوص ابن حسام و غارت و تصرف کتابخانه او مهاجر اظهار بی اطلاعی کرده است. احتمالاً دلیل آن باید به شعری باشد که او پس از اعلان تشیع سلطان محمد خدابنده در ۷۱۰ سروده بود، باز گردد. صفدی احتمالاً به نقل از ذیل مرآة الزمان یونینی آورده که پس از آنکه سلطان محمد خدابنده اعلان پذیرش تشیع را نمود، جمال الدین ابراهیم ابن حسام ساکن در روستای مجدل سلیم از ناحیه صفا اشعاری در ستایش او سرود که متن آن را صفدی خود آورده است. بنگرید به: صفدی، کتاب الوافی بالوفیات، ج ۲، ص ۱۸۵-۱۸۶. درباره تأثیر اعلان تشیع سلطان محمد خدابنده بر جوامع شیعی ساکن در شام اطلاع چندانی در دست نیست با این حال نظر می رسد که شهرت یافتن شعرا خیر و مرگ سلطان محمد خدابنده در ۷۱۶ باعث شده بود تا گروهی به همین بهانه تشیع ابن حسام خانه او را غارت کرده و کتابهایش را متصرف شوند. خود او در قصیده ای که در اشاره به غارت کتاب هایش سروده جرم خود را تشیع و تفقه در فقه شیعه اعلام کرده است. بنگرید به: خلیل بن آیبک الصفدی، أعیان العصر و أعوان النصیر، حققه علی أبوزید، نبیل ابوعمشه، محمد موعد و محمود سالم محمد (بیروت: دار الفکر المعاصر، ۱۹۹۷)، ج ۱، ص ۱۰۹-۱۱۰. نکته آخر - سرودن اشعاری توسط ابن حسام در مدح سلطان محمد خدابنده - اهمیت دیگری نیز دارد و علت شاید دستکم یکی از دلایل تردید برخی عالمان عاملی برای سفر به ایران باشد، خاطره تلخ سلطان محمد خدابنده و سرانجام او باشد که خاطره آن باید در اذهان شیعیان شام بوده باشد و منتظر بودند تا در صورت مشاهده وضعیت با ثبات تر صفویه در مقابل به عثمانی به ایران مهاجرت کنند.

۲. تقی الدین ابراهیم کفعمی کتاب صفوة الصفات در شرح دعای سمات را به نام زین الدین جعفر بن حسام نوشته و در آغاز کتاب از وی در بیتی یاد کرده است (بنگرید به: الدرر، ج ۱۵، ص ۵۰). اشکوری (التراث العربی، ج ۸، ص ۲۶۱-۲۶۲) در اشاره به کتاب صفوة الصفات نوشته است: «شرح مزوج علی دعاء السمات المشهور الذی یدعی به فی عصر یوم الجمعة، بهتم فیه بالجانب الأدبی أكثر من الجوانب الأخری، له مقدمة فیها مطلبان فی فضل هذا الدعاء وروایتیه، ألف بأمر حسام الدین زین الملة و الدین ؟ و ذکر فی آخره مصادره. تم یوم الأثنين ۲۸ شهر شعبان سنة ۸۷۵». اشکوری ظاهراً هویت حسام الدین که همان جعفر بن حسام عاملی باشد، را نشناخته است.

که جعفر بن محمد بن ابراهیم بن الحسام الشامی العاملی از کتابت آن در دهه پایانی جمادی الاولی ۷۵۱ فراغت حاصل کرده است. بخش اول نسخه آسیب دیده و نونویس تراست اما بخش دوم نسخه که به خط زین الدین جعفر است، کهتر بوده و در حواشی آن مطالب فراوانی نوشته شده که نشان می دهد نسخه بر شخصی خوانده شده و مطالب نوشته شده، در حقیقت حواشی نوشته شده در جریان بحث و گفتگو در خصوص متن است. زین الدین جعفر نسخه را نخست نزد عمید الدین عبدالمطلب اعرج حسینی خوانده و خود در انجامة به این مطلب تصریح کرده و بعدها نسخه و شاید هم زمان نزد فخرالمحققین نیز آن را خواند باشد، به هر حال اثناء قرائت متن نزد فخرالمحققین نیز در برگ آخر و در کنار انجامة آمده است. تاریخ کتابت ۷۵۱ متن نشان از حدود زمان حیات زین الدین جعفر و اقامت او در حله دارد. همانگونه که گفته شد بخش نخست نسخه دست خطی متفاوت دارد و حتی حواشی نیز به دست خط متفاوت از بخش دیگر نسخه که کهتر است، کتابت شده اند. در حقیقت از صفحه ۸۷ به بعد بخش کهتر نسخه است و صفحات قبل یا توسط کاتبی دیگر نوشته شده یا در بعد بازنویسی شده است. به صفحه انجام نسخه بازگردیم. متن انجامة نسخه اهمیت خاصی دارد و بهتر است که ابتدا متن آن را نقل کنیم:

«تَمَّ الكتاب بحمد الله تعالى وعونه وحسن توفيقه وصلواته على سيدنا محمد النبي وآله الطيبين الطاهرين كتبه لنفسه افقر عباد الله تعالى الى رحمته وأحوجهم الى غفران ذنوبه وتجاوزه عن سيئاته، جعفر بن محمد بن ابراهيم بن الحسام الشامى العاملى بمجلس المولى الامام العلامة بل اوحد الدهر، فريد العصر، قدوة الافاضل، افتخار الاواخر والاوليل، عميد الملة والحق و الدين عبدالمطلب الاعرج الحسينى .. الله جلاله فى العشر الاخير من شهر الجمادى الاول سنة احد و خمسين و سبعمائة»^۱.

۱. برای توصیفی از نسخه بنگرید به: سید محمد طباطبائی بهبهانی (منصور)، فهرست نسخه های خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی: مجموعه اهدایی سید محمد صادق طباطبائی (تهران، ۱۳۸۸ ش)، ج ۲۴، بخش دوم، ص ۱۶۰. در مدرسه نواب به شماره ۵۰۰ نسخه ای از کتاب قواعد الاحکام موجود است که در آن اجازه ای از ابراهیم بن خلیل بن طلالع شاگرد علامه حلی به شیخ زین الدین جعفر بن حسین بن حسام در صفر ۷۴۵ که آثار علامه حلی را از طریق همین مجیز روایت کند. در آخر آن نیز آمده که کتاب از آغاز تا پایان توسط شیخ زین الدین جعفر بن حسین بن حسام بر سید عمیدی قرائت شده و او گواهی قرائت داده است. نسخه تصحیح شده و دارای حواشی و مقابله شده و مقروء است. نسخه از جمله موقوفات مدرسه خواجه یوسف دودر است. متأسفانه دسترسی به نسخه در حال حاضر برایم میسر نیست اما زین الدین جعفر مورد اشاره همان کتاب نسخه تهذیب مجموعه طباطبائی مجلس است. بنگرید به: مصطفی درایتی، فهرستواره نسخه های خطی



کاتب نسخه جعفر بن محمد بن ابراهیم بن حسام شامی عاملی است که مرحوم آقا بزرگ در طبقات اعلام الشیعة: الضیاء اللامع فی القرن التاسع، ص ۹، ۲۳ چند مطلب کوتاه در خصوص او آورده است. به همان دلیلی که در قبل به آن اشاره شد عالمان امامی در سده های ششم تا دهم تا حدی به دلیل عدم تمکن مالی گسترده همانند همتایان سنی خود، مجبور به کتابت و استنساخ نسخه های خطی بوده اند. بخش دوم نسخه که حواشی فراوان تری دارد به احتمال قوی حواشی جعفر بن حسام عاملی بر کتاب تهذیب الوصول است که او در مجلس درس خواهرزاده علامه حلی از وی شنیده است و اهمیت فراوانی دارد و بسیاری از این تعلیقات به سختی قابل خواندن است. نکته دیگر آنهایی است که در کنار انجامة نسخه آمده که بخشی از آن محو شده و آنچه که از بخش موجود انهاء می توان خواند، چنین است:

«انها ایده الله تعالی قراءة و بحثاً وفهماً وضبطاً واستشراحاً فی مجالس آخرها...»^۱

زین الدین جعفر که نامش در انجامة به طور کامل جعفر بن محمد بن ابراهیم بن حسام شامی عاملی آمده، برادری به نام عزالدین حسن بن شمس الدین محمد بن ابراهیم بن

ایران (فنخا) (تهران، ۱۳۹۲ش)، ج ۲۵، ص ۴۲۹. زین الدین علی بن محمد بن ابراهیم بن حسام عاملی دو فرزند به نام های ظهیر الدین محمد بن زین الدین علی بن حسام و جعفر بن علی بن محمد بن حسام داشته است. فرزند اخیر یعنی جعفر بن علی بن محمد بن حسام عینائی از کتابت نسخه ای از کتاب قواعد الاحکام در روز ۲۱ رجب ۸۶۴ (جلد اول) فراغت حاصل کرده است که این نسخه در کتابخانه مدرسه جعفریه قائن به شماره ۳۳ موجود است (بنگرید به: فهرستگان نسخه های خطی ایران (فنخا)، ج ۲۵، ص ۴۳۳). در انجامة وی خود را چنین معرفی کرده است: «تم الجزء الاول من کتاب قواعد الاحکام بحمد الله وحسن توفیقه يوم الاثنين تسع لیلال بقین من شهر رجب الاصب سنة اربعة وستین وثمانیة هجرية علی مشرفها السلام علی يد العبد الفقير الراجی عفوره الغنی (۶) جعفر بن علی بن محمد بن الحسام العینائی غفر الله له ولوالديه وللمؤمنین ومن دعالهم بالمغفرة والحمد لله وحده وصلى الله على سيدنا محمد وآله...». نسخه تصحیح شده و حواشی بسیاری بر حاشیه با رمز من ط دام ظلّه دارد که شاید اشاره ای به محمد بن احمد شمسطاری باشد. نسخه از جمله موقوفات مدرسه جده اصفهان بوده است.

۱. هنگام تورق مجدد فهرست کتابخانه مرحوم آیت الله مرعشی، به انهاء مشاهبی برخورد کردم که دریافت انهاء مذکور توسط فخر المحققین نوشته شده است. در کتابخانه آیت الله مرعشی به شماره ۴، مجموعه ای از آثار کلامی - اصولی موجود است که ابوالفتوح احمد بن ابی عبدالله بلکوبین ابی طالب آوی در فواصل مختلف کتابت کرده از جمله رساله دوم که مبادی الوصول الی علم الاصول علامه حلی است که ظهر ۲۱ رمضان ۷۰۳ کتابت شده است. در حاشیه انجامة رساله دوم انهاء قرائت توسط فخر المحققین برای ظاهر همان آوی کتابت شده است. متن و دست خط انهاء اخیر با انهاء آمده در نسخه مجلس ۱۱۵۸ طباطبائی یکی است (انها ایده الله تعالی قراءة و بحثاً وفهماً وضبطاً واستشراحاً وفقه الله لمراضیه... فی مجالس آخرها الحادی والعشرون من رجب سنة خمس وسبعمائة و کتب محمد بن المطهر حامداً لله تعالی ومصلياً...) (برای توصیف دقیقتر این نسخه که این بلکون نخست آن را بر خود علامه خوانده بنگرید به: المحقق الطباطبائی، مکتبة العلامة الحلی، ص ۱۶۹-۱۷۰). تصویری انهاء فخر المحققین در جلد اول فهرست کتابخانه مرعشی در بخش تصاویر آمده است.

حسام عاملی دمشقی دارد که او نیز نزد فخرالمحققین در حله درس خوانده و شیخ حر عاملی اجازه ای عام بر ظهر کتاب قواعد الاحکام داده که تاریخ آن ۷۵۳ بوده است. فخرالمحققین، عز الدین راستوده دربندی کوتاه از اجازه که شیخ حر نقل کرده او را چنین توصیف کرده است:

«قرأ علیّ مولانا الشیخ الأعظم الإمام المعظم، شیخ الطائفة مولانا الحاج عز الحق والدين ابن الشیخ الإمام السعيد شمس الدين محمد ابن إبراهيم بن الحسام الدمشقی...» (امل الآمل، ج ۱، ص ۶۷).

عبارت اخیر که مبتنی بر اجازه فخرالمحققین است، نشانگر آن است که سرسلسله خانواده یعنی شمس الدین محمد بن ابراهیم بن حسام، فردی عالم و شناخته شده برای مشایخ حله بوده و خود عزالدین حسن نیز فردی برجسته بوده است. ظاهراً شیخ حر که شناخت بیشتری از وی نداشته و تنها بر اساس اجازه ای که از فخرالمحققین به وی در امل سخن گفته، ضمن رعایت شرط امانت در نقل دقیق عبارت های اجازه، ظاهراً متوجه ارتباط آن با خاندان آل حسام نشده است. تصریح فخرالمحققین به شهرت دمشقی، عزالدین حسن نیز جالب توجه است و نشانگر آن است که برخی از افراد خانواده ابن حسام در دمشق اقامت داشته اند در حالی که شهرت برادر او عاملی شامی آمده که نشان از اقامت دیگر اعضای خانواده در جبل عامل دارد. شیعیان از دیرباز در محله شیعه نشین خراب - اکنون به حی الامین به دلیل اقامت سید محسن امین در اوایل قرن بیستم در آنجا - اقامت می گزیده اند. با این حال اطلاعات چندانی درباره سابقه محله خراب و سکونت شیعیان در آنجا در منابع تاریخی نیامده است. به احتمال بسیار عزالدین حسن نیز با توجه به شهرت دمشقی باید در همین محله اقامت گزیده باشد.^۱

۱. ابن طولون (مفاهات الخلان فی حوادث الزمان، تحقیق محمد مصطفی (قاهره، ۱۳۸۱/۱۹۶۲)، ج ۱، ص ۸۲-۸۳) در ضمن حوادث سال ۸۹۲ (روز یکشنبه هفدهم ذی القعدة) به فرمان رسیده از قاهره در خصوص مسجد شیعیان در دمشق اشاره کرده که در پی شکایت گروهی که شیعیان در مسجد مذکور به بیان بدعت می پردازند، اشاره کرده که در نهایت در ذی القعدة ۸۹۲ فرمان حکومتی از قاهره برای تخریب مسجد رسید. مسجد مذکور که تا امروز نیز باقی است در بخش داخل باب توما - محله مسیحی نشین و مجاور محله خراب دمشق قرار دارد، محله ای که در بخش شرقی دمشق به سمت شمال قرار دارد و تا امروز نیز به همین نام موجود است و شیعیان و محله مشهور خراب در بخش غربی باب توما قرار دارد (وفی یوم... ورد مرسوم شریف باهدام المسجد الذی علی باب جیرون، علی سیرة الماریالی جهة باب توما... ما حدث به من البدع من طائفة الروافض .. فآزلی جداره فی هذا الیوم وانتصر أهل السنة علی المتبدعین بحمد لله). همچنین بنگرید به: أكرم حسن العلی، دمشق بین عصر المالیک و العثمانيين (دمشق، ۱۴۰۲/۱۹۸۲) ص ۸۰. علی (همان، ص ۷۸) تصریح دارد که شیعیان ساکن در محله خراب، دوازده امامی هستند (الشیعة الإمامية... و كانوا یقیمون فی غربی باب توما، بین النصارى وأهل السنة، بالإضافة إلى

اقامتهم فی قری کبیره کداریا وغیرها... در حال تاریخ نگاران شامی از تصریح صریح به حضور شیعیان امامی در شهرهای مثل دمشق و یا اشاره به محله خراب یا اجتاب کرده یا از کنار آن گذشته اند. شیعیان برای حفظ حضور خود در شام، از مشاهدی که در شهرهای مختلف در ادوار گذشته شکل گرفته بود، بهره برده اند. به عنوان مثال مشاهد مهم شهر حلب یعنی مشهد الحسین / مشهد النقطة و مشهد محسن / مشهد دکه واقع بر کوه جوشن در بخش غربی حلب نمونه هایی از این مشاهد هستند (برای دو مشهد اخیر بنگرید به: ابراهیم نصرالله، آثار آل محمد (ص) فی حلب (حلب: مطبعة الوطن العربی، ۱۹۹۵/۱۴۱۵). مشهد الحسین، سنگی است که بر گفته شده چند قطره از سر مبارک ابا عبد الله در جریان انتقال آن به شام افتاده و داخل دیری به نام دیر مارت مروثا بوده است (یا قوت همویی در کتاب معجم البلدان (بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۹۷۹/۱۳۹۹)، ج ۲، ص ۵۳۱ به تفصیل از دیر مذکور سخن گفته و علت توجه سیف الدوله به دیر مذکور را توصیه مادرش در سفارش به اهل آن دیر به او دانسته است). سیف الدوله همدانی پس از آنکه شهر حلب را در سال ۳۳۳ مرکز امارت خود قرار داد، در هنگام اقامت در حلب، در پی دیدن نوری بر کوه جوشن و حفر جایی که نور از آنجا ساطع شده بود، به سنگ قبری کهن برخورد کرد که بر آن نام محسن بن حسین بن علی نقش بسته بود. در خصوص مشهد محسن، ابن ابی طی در ضمن حوادث سال ۳۵۱ آورده که در سال مذکور مشهد دکه در حلب ظهور پیدا کرد چرا که سیف الدوله علی بن حمدان دیده بود که از مکان مذکور نوری نمایان شده و چون خود به آنجا رفت و حفره ای کندند، سنگی نمایان شد که بر آن نوشته شده بود: هذا قبر المحسن بن الحسين بن علی بن ابي طالب» و او بزرگان سادات شهر را طلب کرد و از آنها در خصوص سنگ قبر پرسش کرد که یکی از آنها به او گفت که شاید سنگ قبر مذکور مربوط به فرزند امام حسین علیه السلام باشد که هنگام عبور اسرای از آنجا، در آن مکان به خاک سپرده شده است. ابن ابی طی که خود از مشهد اخیر دیدار کرده، آورده که بر در ورودی کوچک آنجا بر سنگ سیاهی به خط کوفی نوشته شده است: «عمر هذا المشهد المبارك ابتغاء وجه الله تعالى و قرابة اليه على اسم مولانا المحسن بن الحسين بن علي بن ابي طالب عليهم السلام الامير الأجل سيف الدولة أبو الحسن علي بن عبد الله بن حمدان سنة ۳۵۱». (ابن شداد، الأعلاق الخطيرة فی ذکر امراء الشام و الجزيرة، حقهه یحیی زکریا عبارة (دمشق: وزارة الثقافة، ۱۹۹۱)، ج ۱، القسم الأول، ص ۱۴۷-۱۵۰) مشهد محسن نیز در نزدیکی مشهد الحسین و حدود ۳۰۰ متری آن است و مقبره بسیاری از اعیان شیعی شهر حلب، چون سادات بنو زهره، آل خشاب، ابن شهر آشوب و دیگران بوده است. مشهد الحسین متاخرتر است و در پی رویای چوپانی در ۵۷۳ بنا شده بود که ابن شداد گزارش آن را به نقل از یحیی بن ابی طی آورده و شرحی از توسعه آن در ادوار بعد و توجه حکام به آن مشهد را نقل کرده است (الأعلاق الخطيرة، ج ۱، القسم الأول، ص ۱۵۲-۱۵۶). یا قوت (متوفی ۶۲۶) که مطالب مربوط به دیر مارت را در آثار از کتابی که تهنیت نقل کرده، در ذیل مطالب نقل شده از کتاب اخیر، متذکر شده که در روزگاری آن دیر از میان رفته و اثری از آن باقی نمانده و به جای آن مشهدی موجود است که اهل حلب گمان می کنند حسین بن علی علیه السلام در آنجا نماز گزارده است. بر همین اساس شیعیان حلب در آنجا مشهدی ساخته اند. مطلب یا قوت با گفته های ابن ابی طی در خصوص مشهد الحسین سازگاری ندارد و شاید یا قوت که خود مدتی در حلب نیز سکونت داشته، مطلب اخیر را که باور عوام شیعه در حلب بوده یا حکایتی متداول در خصوص مشهد الحسین بوده را نقل کرده باشد. این مشاهد که مورد توجه حکام سنی شام نیز بوده، عموماً دارای موقوفاتی بوده و متولیان آنها نیز از سادات بنو زهره انتخاب می شده است. در خصوص مشهد حسین شهر حلب، ابن حنبلی در شرح حال یکی از عالمان حلب او را شاهد موقوفه مؤیدیه بر مشهد که ظاهراً باید مراد مشهد الحسین باشد، نام برده است. اطلاع روشنی درباره موقوفات مؤیدیه در منابع در دست نیست اما شاید بتوان به احتمال گفت که مراد از موقوفه اخیر، موقوفاتی باشد که علی بن مؤید (متوفی ۷۸۸) باشد که می دانیم با عالمان شیعی شام چون شهید اول مراده داشته و شهید اول کتاب مشهور اللمعة دمشقیه را به درخواست او نوشته است. اما نکته ای که باعث تردید در چنین گمانی می شود، سخن ابن شداد (متوفی ۶۸۴) است که از مساجد مشهور حلب به مسجد المؤید اشاره کرده که دلالت دارد موقوفات مؤیدیه که باید ربطی به بانی مسجد المؤید داشته باشد و بسیار پیش از روزگار علی بن مؤید است و شاید ارتباطی با والی حلب المؤید خلیل المنجی داشته باشد که مسجدی در حلب بنا کرده است که ابن شداد نخست با عنوان «مسجد انشاء المؤید خلیل

برادر دیگر زین الدین جعفر بن حسام، یعنی زین الدین علی بن حسام عاملی چهره سرشناسترین خاندان است که خانواده آل حسام از نسل او تداوم یافته است.^۱ فرزند او ظهیر الدین محمد بن زین الدین علی بن حسام عینائی نیز دیگر فرد شناخته شده از این خانواده است. حر عاملی باز مطلب بسیار اندکی در خصوص وی آورده است (امل الآمل، ج ۱، ص ۱۰۶) و تنها او را از بزرگان خوانده (المشایخ الأجلاء) و گفته که از پدر شهید ثانی یعنی علی بن احمد عاملی جبعی (متوفی ۹۲۵) نقل روایت کرده است. اهمیت اطلاع اخیر تنها نشان از حدود زمانی حیات ظهیر الدین دارد. اما به نظر می رسد که عبارت «یروی عن الشیخ علی ابن احمد العاملی والد الشهید الثانی»، اشکال داشته باشد حال تصحیف در چاپ یا خطا از خود شیخ حر عاملی و عبارت باید در اصل «یروی عنه الشیخ علی...» باشد و آنچه که این گمان را قوت می بخشد، مطالبی است که به واسطه برخی نسخه های خطی دیگر در خصوص ظهیر الدین محمد می دانیم.^۲

در مراجعه به کتابخانه بزرگ آیت الله مرعشی و رویت نسخه ۱۲۸۳۶ از کتاب تحریر الاحکام به چند مطلب برخورد کردم. نخست آنکه نسخه اخیر مشتمل بر کتاب النکاح تا پایان جزء دوم کتاب است و جزء سوم کتاب که مشتمل بر مباحث ایقاعات است در مجلد دیگری از

المنبجی والی حلب کان مسجد يعرف بالنور أيضاً» در داخل شهر حلب و بار دیگر مسجدی با عنوان مسجد المؤید در بخش رابیه و جورة جفال نام برده که بنظر می رسد احتمالاً مراد از موقوفه المؤیدیه اشاره به همین والی حلب باشد. بنگرید به: عز الدین محمد بن علی مشهور به ابن شداد، الأعلاق الخطیرة فی ذکر امراء الشام و الجزيرة، حقه یحیی زکریا عبارة (دمشق: وزارة الثقافة، ۱۹۹۱)، ج ۱، القسم الأول، ص ۲۱۱، ۱۸۷. شهرت یکی از فرزندان صلاح الدین ایوبی مسعود المؤید (متوفی ۶۰۶) است که در حلب دفن شده است. محتمل است که میان وقف مؤیدیه و او ارتباطی باشد.

۱. در کتابخانه آیت الله مرعشی نسخه ای از کتاب الشرائع به شماره ۶۷۵۷ موجود است که احمد بن محمد بن حسن المصیرد البلدائی در شعبان ۸۹۸ کتابت کرده و در حاشیه آن علی بن محمد بن الحسام انهاء قرائت برای او نوشته است (انهاه ادام الله توفیقه و سهّل الی کل خیر طریقته و هو الولد العزیز الشیخ احمد بن الفقیه محمد الشهیر ببصیص قرأة مرضیة و بحثاً و شرحاً بحسب المهد و الطاقه و ذلك فی عدة مجالس آخرها الرابع و العشرون من شهر الله المعظم من شهر ثمانیة و تسعین و ثمان مائة و کتب ذلك اقل عباد الله علی بن محمد بن الحسام عفا الله عنه و الحمد لله وحده و صلی الله علی سیدنا محمد و علی آله و صحبه و سلم). کاتب خود نیز از جمله کسانی بوده که در مجلس ظهیر الدین محمد بن علی بن محمد بن الحسام حضور داشته است و در پایان شرائع در اشاره به حضور خود در مجلس ظهیر الدین ابن حسام نوشته است: «فرغ من تسویده اضعف عباد الله تعالی و اقلهم عملاً احمد بن محمد بن حسن عرف بالمصیرد فی قرية بلبیدا و ذلك مجلس الشیخ ظهیر الدین - قدس الله سره - یوم الاحد ثمان بقین من شهر صفر ختم بالخیر و الظفر من شهر سنة تسعة و تسعین و ثمان مائة علی مشرفها السلام و الحمد لله وحده و صلی الله علی من لا نبی بعده».

۲. ظهیر الدین محمد بن حسام عاملی کسی از است که پرسش هایی فقهی از ابن فهد حلی (متوفی ۸۴۱) پرسیده که به عنوان المسائل الشامیة الاولى شهرت دارد. بنگرید به ادامه.

کتاب بوده که اکنون از سرنوشت آن اطلاعی نداریم (در برگ ۱۷۹ نسخه انجامة نسخه ذکر شده است؛ «تم الجزء الثانی من کتاب تحریر الاحکام الشرعية على مذهب الإمامية محمد الله تعالى و منه على يد مصنفه حسن بن يوسف بن مطهر في مستهل جمادى الآخرة سنة احدى و سبعين و سبعمائة و ... يتلوه في الجزء الثالث ... في الايقاعات ... و فرغ من تعليقه لنفسه عبد الله بن مسيب المسلمي في جزين الليلة الثامنة من شهر الله الاصب سنة ثمانمائة و اربع و ستين هجرية...»). در برگ ۱۲۴ الف - ب انهائات و اجازاتی آمده که تصویر برگ ۱۲۴ ب در فهرست نسخه های خطی، جلد ۳۲، صفحه ۱۱۳۴ آمده است. نسخه همانگونه که در اجازه محمد بن محمد بن مؤذن جزینی به علی بن عبد العالی میسی آمده، دارای حواشی اندکی از محمد بن مؤذن است (و اجزت له الرواية مع العمل بجميع ما تضمنه كتاب التحرير من جملة مقرواتی ... و من علامة بخطی فلا يعمل بها و هي قليلة في الكتاب الذي قرأته... که با علامت م در سراسر نسخه ذکر شده است که بسیار با اهمیت است.^۱ در اجازه ای که در برگ ۱۲۴ ب

۱. برای اجازه ابن مؤذن به علی بن عبد العالی میسی بنگرید به: محمد باقر مجلسی، بحار الانوار ج ۱۰۵، ص ۳۵-۳۸. ابن مؤذن در انهائی در پشت برگ ۱۳۴ برای کسی که نسخه را نزدش خوانده، نوشته است: «انهاء ايده الله قراءة وفهما أعنى الشيخ الفاضل برهان الدين ابراهيم المقرئ - وفقه الله و ايانا المراضيه و جعل يومه خيراً من ماضيه - ، و قد اجزت له روايته عنى عن قرأته عليه و هو الشيخ جمال الدين احمد بن الحاج على - رحمه الله - عن مشايخه متصلاً إلى المصنف - رحمه الله - ، و طلبت منه الدعاء فى خلواته و عقيب صلواته تقبل الله منه و كتب العبد الفقير إلى الله تعالى محمد بن المؤذن حامداً مسلماً...». كاتب خود را در آخر نسخه چنین معرفی کرده است: «... و قد فرغ من تعليقه لنسفه عبد الله بن مسيب المسلمي الثامنة من شهر الله الأصب سنة ثمانمائة و اربع و ستون هجرية على مشرفها السلام و الحمد لله وحده». محمد بن الحسام نیز در انهاء قرائت کتاب برای شیخ برهان الدين ابراهيم مقرئ چنین نوشته است: «قرأ على الشيخ الجليل العالم الفاضل الورع الكامل، برهان الدين ابراهيم ولد الشيخ المرحوم حسن الشقيفي طرفاً من هذا الكتاب قراءة مهذبة مرضية قرأة بحث و تحقيق و فهم و تدقيق و اجزت له رواية جميعه و جميع مصنفات مصنفه الشيخ الامام العلامة جمال الدين بن المطهر الحلي - قدس الله روحه الزكية - عنى عن والدى عن عمى عن السيد حسن بن ايوب الحسينى الشهير بابن نجم الدين عن الشيخ فخر الدين و السيد عميد الدين عنه و جميع مصنفات الشيخ نجم الدين ابى القاسم عن المصنف عنه و جميع مصنفات العريف الماهر و البحر الزاخر شمس الدين محمد بن مكى قدس الله سره عنى عن والدى عن عمى عن السيد المذكور عن الشهيد فليرو ذلك لمن شاء و احب فهو اهل لذلك و كتب اصغر عباد الله محمد بن الحسام حامداً مسلماً مستغفراً». شيخ حر عاملى در امل الآمل (ج ۱، ص ۲۷-۲۸) بر اساس همین نسخه که دیده، مطالبی در شرح حال ابراهيم بن حسن شقيفي آورده است. نسخه ای از کتاب القواعد و الفوائد شهيد اول به شماره ۲۵۷۹ در کتابخانه آيت الله مرعشى موجود است که در سال ۸۲۲ توسط احمد بن حسين بن ماجد الاوالى کتابت شده و در سال ۸۷۶ توسط فردى بر محمد بن الحسام خوانده شده و او در حاشية انجامة نسخه بلاغ انهاء برای فرد مجاز که نامش ذکر نشده، نوشته است (انهاء ايده الله تعالى قراءة مهذبة مرضية تشهد بفضلها و تدل على مزيد عقله و ذلك فى مجالس سادس عشر شهر ربيع اول سنة ست و سبعين و ثمانمائة كتب اصغر عباد الله تعالى محمد بن الحسام حامداً مسلماً مستغفراً). نسخه اخير همچنين نشانگرا ارتباط میان جوامع شيعه نشين حجاز با جبل عامل است. هر چند كاتب يعنى احمد بن حسين بن ماجد اوالى اشاره ای به مکان کتابت نکرده اما به احتمال بسیار وى باید به

آمده و متن آن در پاورقی نقل شده، شخص مجیز خود را محمد بن حسام معرفی کرده است؛ وی ظهیرالدین محمد بن زین الدین علی بن حسام ظهیری عینائی است که عماد بن علی جرجانی در ۸۶۱ به او اجازه داده است. ظهیرالدین محمد از پدرش زین الدین علی بن حسام که او از برادرش جعفر بن حسام - یعنی عموی ظهیرالدین محمد - از حسن بن نجم الدین از شهید اول اجازه روایت داشته است که ظاهراً او عمویش زین الدین جعفر بن حسام را ندیده که به واسطه پدرش از وی روایت کرده و به نظر می رسد که زین الدین علی بن حسام نیز کوچکتر از برادرش زین الدین جعفر بوده است (طبقات اعلام الشيعة: الضياء اللامع في القرن التاسع، ص ۱۲۶-۱۲۷). از اعقاب ظهیرالدین محمد، شیخ ابو عبدالله حسین بن حسن بن یونس ابن یوسف بن ظهیرالدین محمد بن زین الدین علی بن حسام ظهیری عاملی عینائی رامی شناسیم که استاد شیخ حر عاملی بوده و به وی در ۱۰۵۱ اجازه داده و محمد امین استرآبادی جوابات المسائل الظهيرية را در پاسخ به او نوشته است (بنگرید به: الذريعة، ج ۲، ص ۸۹-۹۰، ج ۵، ص ۲۲۷)!

سلسله نسبی که آمده مشخص کننده این است که ظهیرالدین محمد دستکم فرزندی به نام یوسف داشته است. ظهیرالدین محمد، برادری به نام حسین داشته است که آقا بزرگ مطالبی که درباره وی یافته را در طبقات اعلام الشيعة: الضياء اللامع في القرن التاسع، ص ۴۹

جبل عامل سفر کرده باشد و در آنجا نزد محمد بن حسام به خواندن فقه شیعه مشغول شده باشد. او در انجامه از کتابت نسخه القواعد والفوائد شهید اول بر اساس نسخه ای که در اصل از روی نسخه کتابت شده توسط ضیاء الدین علی بن محمد بن مکی استنساخ شده، سخن گفته است. تاریخ کتابت نسخه یعنی ۸۲۲ و انهاء قراءت در حاشیه در ۸۷۶ نشانگر آن است که نسخه نباید توسط خود کاتب برابرین حسام قرائت شده باشد و ظاهراً بعداً نسخه در اختیار کسی دیگر قرار گرفته و او آن را نزد ابن حسام خوانده است (... و فرغ من تسويده ضحا الثلاثاء من شهر رجب المعظم في يوم الثاني عشر منه من شهر سنة اثني وعشرين وثمانمائة و كتب العبد المذنب احمد بن حسين بن ماجد الاوالي مولداً و داراً اصلح الله امور داريه في الدنيا والآخرة بمحمد النبي وآله الطاهرين و صلى الله على سيدنا محمد...).

۱. مجموعه ۱۸۳۶ کتابخانه مجلس مشتمل بر مجموعه های از رساله های مختلف است که در جلد نهم معرفی از آن آمده است. آخرین رساله آن به عنوان تقریظ علی الفوائد المدنیة معرفی شده است. با این حال مراجعه به نسخه نشان می دهد که رساله اخیر نسخه ظاهراً منحصر به فرد الاستئلة الظهيرية است که حسین بن حسن ظهیری برای محمد امین استرآبادی فرستاده است. اطلاع اخیر به همان شکل آمده در فهرست مجلس در فنخا (ج ۸، ص ۱۰۲۶) نیز آمده است. همچنین رساله نهم نسخه اخیر، با عنوان تحقیق قبله عراق العجم و خراسان است که نام مؤلف آن به خط شیخ بهایی آمده که در واقع رساله تألیف پدرش، حسین بن عبدالصمد است. تصویری از نسخه اخیر در کتابخانه مرکز احیاء میراث اسلامی ایران نیز موجود است که همین خطاها نیز به آنجا راه یافته است (فهرست نسخه های عکسی مرکز احیاء میراث اسلامی، ج ۳، ص ۱۲۶-۱۳۲).

آورده است. در کتابخانه مجلس شورای اسلامی، مجموعه طباطبائی، نسخه ای از تحریر الاحکام به شماره ۲۳۳ (معرفی شده در فهرست، ج ۲۴، ص ۱۶۴-۱۶۵) که در آخرین برگ آن انهایی به قلم حسین بن علی بن حسام در ۸۸۵ به برادرزاده اش که به احتمال قوی همین یوسف بن ظهیر الدین محمد باشد، داده است (انهاه آیده الله تعالی قراءه و فهماً و ضبطاً و فقه الله و ایانا لمراضیه و اعانه و ایانا علی امتثال اوامره و... نواهیة و ذلک فی مجالس متعدده آخرها نهار الثلثاء لثلاث لیلال بقین من شهر صفر ختم بالخیر و الظفر من شهر سنه سبع و ثمانین و ثمانائة هجرية علی مشرفها السلام و کتب احقر عباد الله تعالی عمه حسین بن علی بن الحسام حامداً مصلياً مسلماً مستغفراً).^۱ در هر حال مطلب جالب توجه این است که اکنون تصویر دست خط هر دو برادر یعنی ظهیر الدین محمد و حسین بن حسام عاملی عینائی را در اختیار داریم.^۲ نسخه اخیر نیز از روی نسخه مرعشی کتابت شده است. نسخه مرعشی به گواهی

۱. در کتابخانه مدرسه غرب همدان به شماره ۴۵۶۸ نسخه ای از کتاب الدروس الشرعیة موجود است که پیش از ۲۵ جمادی الاولی ۸۶۲ کتابت شده است. در نسخه حواشی از فاضل مقداد، ابن فهد و شیخ حسین بن حسام دام فضله آمده که وی همین حسین بن علی بن حسام است. در نسخه دوا اجازه موجود است یکی اجازه روایت دروس و دیگر تألیفات شهید اول و چند اثر دیگر که حسین بن علی بن حسام عینائی به ملا علی بن عبدالعزیز جرجانی در ۲۵ جمادی الثانی ۸۶۲ داده است که بر اساس متن اجازه می توان دریافت که جرجانی تمام متن دروس را نزد عینائی خوانده است (بسم الله الرحمن الرحیم، قرأ علیّ هذا الجزء من اوله الی آخره الشیخ الفاضل العالم العامل الورع اللوذعی ملا علی بن الشیخ المرحوم... بن عبدالعزیز الجرجانی - ادام الله تأییده و توفیقه و سهل الی کل خیر طریقہ و اجزت له ان یروی عنی هذا... و بقیة الكتاب عن اخی الشیخ الفاضل ظهیر الدین محمد بن الحسام العینائی عن الحاج سلیمان العینائی عن الشیخ... مجاهد عن المصنف اعلی الله درجاته و اجزت له ایضاً جمیع مصنفات المصنف عنی عن اخی المذكور و عن والدی الشیخ زین الدین علی بن الحسام العینائی عن اخیه الشیخ زین الدین جعفر بن الحسام عن السید عزالدین حسن بن... عن المصنف... و کتب حسین بن علی بن الحسام العینائی...). بنگرید به: فهرست نسخه های خطی کتابخانه های رشت و همدان (تهران، ۱۳۵۳ ش)، ص ۱۳۲۴. نسخه اخیر همچنان در جیل عامل بوده و اجازه روایتی از احمد بن خاتون به شمس الدین محمد بن حسین بن محمد ابریسی در جمعه اول ذی الحجه ۹۴۳ بر آن درج شده است.

۲. در کتابخانه آیت الله مرعشی نسخه ای از کتاب قواعد الاحکام به شماره ۱۲۹۲ موجود است که در روز یکشنبه سوم رمضان سال ۸۴۶ کتابت شده است و متأسفانه در پایان جزء اول و انجامة کاتب، نام کاتب نسخه نیامده است. نسخه مقابله شده و نزد استادی خوانده شده و در سراسر نسخه پراز حواشی مختلف است. در برگ انجامة نسخه، کاتب یادداشتی در حاشیه نوشته که نشان از ارتباط کاتب نسخه با حسین بن حسام دارد. عبارت کاتب چنین است: «بخط الشیخ الحاج حسین بن الحسام نقلت عن الشیخ عزالدین ابن فضل عن الشیخ... الزاهد فتاوی جمال الدین و فخر الدین و عمید الدین و کذا کل حاشیه تیس الی ابن النجار مع صحتها و کذا ما یوجد بخط الشهید قدس الله نفسه میجوز العمل به و نقله الی الغیر و کذا التتقیح للشیخ المقداد فتاویہ منقولة عن مصنفه میجوز العمل به و کتب... حسین بن علی بن الحسام عفی الله عنهم بمنه و کرمه و کتب حسین بن الحری». حسین بن حرکه زمانی نسخه اخیر در تملک او بوده، جد شیخ حر عاملی نویسنده کتاب امل الامل است. متن اجازه ای از محقق کرکی به شیخ حسین بن محمد حربیه سال ۹۰۳ در دمشق در بخش اجازات بجا آمده است. در متن اجازه محقق کرکی، مجازاً «حسین بن شمس الدین محمد الحر لقباً» معرفی کرده است. محقق کرکی مهمترین



محمد بن مؤذن از روی نسخه اصل کتابت شده است. نکته دیگر آنکه نسخه مجلس از کتاب الطهارة آغاز شده و تا پایان جزء دوم کتاب تحریر الاحکام و آغاز کتاب ایقاعات که در جزء دوم کتاب قرار داشته، خاتمه می یابد.^۱ درباره ظهیرالدین محمد بن علی بن حسام نسخه ای از

استاد خود را علی بن هلال جزائری معرفی کرده و او را ساخت مورد ستایش قرار داده و برای طول عمر او دعا کرده است. از اعقاب خاندان حر عاملی علی بن محمد بن محمد بن حر را می شناسیم که در روستای حدائنا جبل عامل ساکن بوده و نسخه ای از کتاب بیان شهید اول را در صفر سال ۸۴۳ کتابت کرده است. نسخه اخیر در ضمن مجموعه شماره ۶۷ در کتابخانه آیت الله مرعشی موجود است (... فرغ من تعلیقہ العبد الفقیر الراجی عفورہ علی بن محمد بن حر عاملی من قریة حدائنا وذلک یوم ثمانیة و عشری من شهر صفر سنة ثمانیة و ثلاث و اربعین هجرية حامداً مصلياً علی محمد و آل محمد). کسی که مالک نسخه بوده، کتاب بیان را نزد احمد بن محمد بن علی بن خاتون از عالمان نامور ساکن در عیناثا خوانده و ابن خاتون در کنار انجامة بیان، اجازه روایت کتاب و انهاء قرائت نسخه را به او داده است (انهاہ ایدہ اللہ قراءة و بحثاً و فهماً و فقه اللہ و ایتنا المراضیة و اعانہ و ایتنا علی اجتناب معصیتہ و الانزجار عن نواہیہ فی عدة مجالس آخرها یوم الاحد ثانی عشرین ذی قعدة من شهور سنة سبع و تسعمائة هجرية نبوية علی مشرھا الصلوة و السلام و کتب ذلک افقر عبد اللہ و احوجهم الی عفوه احمد بن محمد بن علی بن خاتون حامداً مصلياً مسلماً مستغفراً). مجموعه اخیر مشتمل بر رسالات و آثار دیگری نیز هست. کتاب بخش های نسخه متفاوت است به عنوان مثال در پایان مقصود ابن درید، کتاب خود را احمد بن احمد بن محمد بن حسن ابن ابی جامع عاملی الشقرائی معرفی کرده است (تجزت القصيدة محمد الله و عونہ و کرمة فی ليلة الاحد الرابع و العشرين من شهر رمضان المبارك من شهور سنة تسع و ثلاثین و تسعمائة هجرية و کتب هذه الاحرف بيده الفاتية احمد بن احمد بن محمد بن حسن ابن ابی جامع عاملی الشقرائی حامداً مصلياً مسلماً مستغفراً). چند رساله مجموعه را شخصی به نام محمد بن علی الصفی کتابت کرده که در آخر نظم الالفیة ابن راشد حلی تاریخ فراغت از کتاب را سال ۹۱۰ ذکر کرده است (... کتب محمد بن علی الصفی حادی عشر ذی القعدة الحرام سنة عشر و تسعمائة). در پایان الفیة شهید اول که محمد بن صفی کتابت کرده (... فرغ من مشقة مشقه العبد الفقیر الی مولاه الراجی نداء الذی لا یومل الا اياه و شفاعة من اصطفاه و ولاية من و لاه الحب الوفی محمد بن علی الصفی عامله اللہ بطفه الخفی و غفرلی و لوالدیه و للمؤمنین و المؤمنات و المسلمین و المسلمات ...)، اجازه ای از جلال بن علی بن الحسن الحسینی الحائری به شهاب الدین احمد بن شمس الدین (انہی هذه الرسالة قراءة من اوله الی آخرها الشیخ شهاب الدین احمد بن شمس الدین ادام اللہ ایامه قراءة و بحثاً... و مقررأ له دلائلها بحسب ما اقتضیه قریحة مع كثرة الاشتغال و تشویش البال یشهد بذلك .. و قد اجزت له روايتها عن اجيزلی روايته فليروها لمن شاء و احب و شرطت عليه فی ذلك کمال الاحتياط و... و التحرز من الغلط... و فقه اللہ لما یحب و یرضی و علیه ان یتذکرنی فی خلال دعواته و صلواته و کتب هذه الاحرف العبد الذلیل الفقیر الراجی عفورہ القدير جلال بن علی بن الحسن الحسینی الحائری عفا اللہ عنهم اجمعین و لمن دعا لهم بالمغفرة آمین رب العالمین و الحمد لله و حده) نیز آمده است.

۱. اطلاعات اندکی درباره اجداد خاندان آل حسام وجود دارد. حسام جد اعلای خاندان دو پسر به نام های جعفر و علی داشته است. جعفر بن حسام از مشایخ مهم شیعه در عیناثا بوده که از نجم الدین حسن بن ایوب اطراوی اجازه روایت داشته است. از وی برادرش، زین الدین علی بن حسام و علی بن محمد بن دقاق روایت کرده اند (بنگرید به: آقابزرگ، طبقات اعلام الشیعة: الضیاء اللامع، ص ۷۸-۷۹، ۹۲). درباره فرزندان جعفر اطلاع خاصی در دست نیست اما برادر زاده های وی یعنی ظهیرالدین محمد (زنده در ۸۵۲) و عزالدین حسین (زنده در ۱۳ رجب ۸۷۳) از ققیهان برجسته ساکن در عیناثا بوده اند. جعفر بن علی بن محمد بن حسام عینائی در روز دوشنبه ۲۱ رجب ۸۶۴ از کتابت بخشی از ابتدای کتاب قواعد الاحکام علامه حلی فراغت حاصل کرده است. نسخه اخیر به شماره ۳۳ در کتابخانه مدرسه جعفریه قائن موجود است و تصویری از آن نیز در مرکز احیاء میراث اسلامی ایران (فهرست نسخه های عکسی مرکز احیاء میراث اسلامی، ج ۵، ص ۱۶۴) نگه داری می شود. نسخه اخیر ظاهراً در اختیار شیخ بهایی بوده است. در کتابخانه آستان قدس رضوی به شماره ۲۲۷۶ نسخه

کتاب نهاية الاحکام علامه حلی در کتابخانه مجلس به شماره ۹۰۲۸ موجود است که علی بن عبدالعزیز استرآبادی از کتابت جزء اول آن در روز شنبه اوایل ذی الحجة ۸۶۰ فراغت حاصل کرده و ظاهراً همون نسخه را نزد ابن حسام خوانده و انهایی از ابن حسام در برگ ۱۲۰ ب نسخه آمده که چنین است:

«انهاه ایده الله تعالی بعنایتیه ووقفه للخیر و ملازمة طاعته قرأة مهذبة مرضية تشهد بفضله و تدل علی نبهه فی مجالس متعددة آخرها عاشر شهر رمضان المعظم قدره سنة اثنین و ستین و ثمان مائة و كتب العبد الفقير الى الله تعالی محمد بن علی بن حسام عفی الله عنهم حامداً مصلياً مستغفراً و الحمد لله وحده و صلى الله علی نبيه و علی آله و صحبه و سلم»^۱.

نکته جالب توجه تشابه دست خط نسخه های ۹۰۲۸ و ۲۳۳ طباطبائی است و می توان گفت که کاتب نسخه طباطبائی نیز ظاهراً علی بن عبدالعزیز استرآبادی است. شواهد اخیر

ای کامل از تحریر الاحکام وجود دارد که باید از همان نسخه در اختیار ظهیرالدین محمد بن علی بن حسام کتابت شده باشد. کتابت نسخه را عماد بن علی جرجانی در ۱۲ صفر ۸۶۰ به پایان برده و سپس کتاب را بر ظهیرالدین محمد بن علی بن حسام عینائی خواننده و از وی در ۷ ربیع الثانی ۸۶۱ اجازه ای گرفته است (انهاه آدم الله توفيقه و سهل إلى سعادة الدارين طريقه قراءة مهذبة مرضية قراءة بحث و تدقيق و كشف و تحقیق فی مجالس متعددة آخرها ۷ ربیع الثانی سنة ۸۶۱). بنگرید به: السيد عبدالعزیز الطباطبائی، مکتبه العلامة الحلی، ص ۸۷، ۸۹. ابن فهد حلی (متوفی ۸۴۱) المسائل الشامیة الاولى خود را در پاسخ به پرسش های ظهیرالدین محمد بن حسام عاملی نگاشته است. بنگرید به: سید حسین مدرس طباطبائی، مقدمه ای بر فقه شیعه، ص ۱۵۵. آقابزرگ نسخه ای از جوابات المسائل الشامیة الاولى را دیده و در توصیف آن گفته که تنظیم و ترتیب آن توسط شاگرد ابن فهد، زین الدین علی بن فضل بن هیکل حلی بوده است. الذریعة، ج ۵، ص ۲۲۳. ابن حسام بار دیگر پرسش هایی را به نزد ابن فهد فرستاده که وی از پاسخ دادن به آنها در ظهر روز شنبه هفدهم ربیع الاول ۸۳۷ فراغت حاصل کرده و همان ابن هیکل پرسش و پاسخ ها را بر اساس ابواب فقهی تنظیم کرده است. در نسخه هایی که از جوابات المسائل الشامیة در اختیار آقابزرگ بوده، نام فرد پرسش گر نیامده و ایشان تنها او را یکی از بزرگان شام معرفی کرده است.

۱. برای معرفی نسخه نهاية الاحکام بنگرید به: سید محمد حسین حکیم، فهرست نسخه های خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی (تهران، ۱۳۹۰ش)، ج ۲۹، بخش ۲، ص ۶۴۲-۶۴۳. علی بن عبدالعزیز استرآبادی همچنین نسخه ای از قواعد الاحکام علامه حلی را کتابت کرده که مجلد اول آن تا آخر احکام وصیت به شماره ۱۱۶۳ در کتابخانه آیت الله مرعشی موجود است. در صفحه آخر بلاغ مقابله و اجازه محمد بن علی بن الحسام به تاریخ دوشنبه آخر ربیع الثانی ۸۶۴ به شیخ عزالدین حسین بن محسن آمده است (اجزت للشیخ حسین بن محسن دام ظلّه ان یروی جمیع ما... هذا الكتاب من النقل فقد صح عندی فلیرو ذلك لمن شاء و اجزت فهو لذلك اهل و كتب العبد الفقير الى الله تعالی محمد بن علی بن الحسام عفا الله عنهم بمنه و کرمه و ذلك اللیتین بقیتمن شهر ربیع ثانی سنة اربع و ستین و ثمانائة). به احتمال قوی نسخه اخیر از جمله آثار کتابخانه شهید ثانی بوده است. تصویر آغاز و انجام نسخه در بخش تصاویر آمده است. توصیف آن بنگرید به: سید احمد حسینی، فهرست نسخه های خطی کتابخانه عمومی حضرت آیه الله العظمی نجفی مرعشی، ج ۳، ص ۳۳۷-۳۳۸؛ السيد عبدالعزیز الطباطبائی، مکتبه العلامة الحلی، ص ۱۴۹.

نشانگران است که جبل عامل پیش از ظهور صفویان مرکزیت علمی قابل توجهی یافته بود و به دلیل حضور فقیهان برجسته در آنجا، برخی عالمان شیعه برای تحصیل به آنجا سفر می کرده‌اند که شواهد تاریخی دیگری نیز برای تأیید این مطلب وجود دارد.^۱

یکی از عالمان کمتر شناخته شده جبل عاملی، شخصی است به نام محمد شمسطاری که نام شهرت وی به صورت‌های مختلفی در بحار الانوار (ج ۱۰۴، ص ۲۸)، طبقات اعلام الشيعة: الضياء اللامع في القرن التاسع، ص ۱۲۳ (منبع بحار مجموعه جباعی بوده و مرحوم آقابزرگ نیز از بحار آن را نقل کرده)؛ محمد المطاری (طبقات اعلام الشيعة: الضياء اللامع، ص ۱۳۱-۱۳۲) و یا شمسطاری آمده است. با این حال مراجعه به اصل نسخه جباعی نشانگران است که شهرت او باید شمسطاری خوانده شود اشاره به اقامت وی در روستای شمسطار.^۲ شخص اخیر نواده نواده دختری شمس الدین محمد بن عبدالعالی بن نجدة کرکی (متوفی ۸۰۸) است که در مجموعه جباعی تاریخ درگذشت او شب آخر صفر (سراسر صفر) ۸۷۴ ذکر شده است. درباره او دانسته است که علی بن تاج الدین بن فضل الله انصاری نسخه ای از کتاب ایضاح الفوائد فخر المحققین را در شب سه شنبه ۸۷۰ در روستای کرک نوح کتابت کرده و گفته که وی نسخه اخیر را در مدرسه شیخ الاسلام شیخ محمد شمسطاری (صحیح آن شمسطاری) کتابت کرده است (بنگرید به: فهرست گوهر شاد، ج ۴، ص ۱۹۰۱). شمسطاری دو سال قبل از وفات خود، به سید عزالدین حسین بن نورالدین علی حسینی که نسخه ای از کتاب الدروس شهید اول را در کرک نوح در تاریخ روز یکشنبه ۲۳ رجب ۸۷۱ کتابت کرده، اجازه ای داده که متن آن

۱. علی بن عبدالعزیز جرجانی کاتب نسخه ای از کتاب ایضاح فخر المحققین به شماره ۱۱۶۳ در کتابخانه آیت الله مرعشی در رمضان سال ۸۵۹ است (تم تسوید الجزء الاول من القواعد مع شرح الاشکالات فی احسن ساعة من الساعات و این حاله من الحالات ثامن شهر الله الاصم ختم بالخیر والنعم فی تاریخ سنة تسع و خمسين و ثمانمائة علی یدی ... علی بن عبدالعزیز الاسترآبادی ...) و ظاهر نسخه را با خود به جبل عامل برده چرا که در آنجا دست خط محمد بن علی بن الحسام در ربیع الثانی ۸۶۴ بر انتهای نسخه در کنار انجامه آمده که به شیخ عزالدین حسین بن محسن نامی اجازه روایت کتاب را داده است (اجزت للشیخ عزالدین حسین بن محسن دام ظلّه ان یروی جمیع ما علی هذا الكتاب من النقل فقد صح عندی فلیرو ذلك لمن شاء و احب فهو لذلك اهل و كتب العبد الفقیر الی الله تعالی محمد بن علی بن الحسام عفا الله عنهم بمنه و کرمه و ذلك للیثین بقیتمن شهر ربیع الثانی سنة اربع و ستین و ثمانمائة)..

۲. ریشه کلمه ظاهر از الشمس یا شمس باشد که با طورا به معنی کوه یا طهرا به معنی ظهور و ظهیر ترکیب شده است که معنی آن روستای مقابل خورشید است. بنگرید به: عقیق بطرس مرهی، اعرف لبنان: موسوعة المدن و القرى اللبنانية (بیروت، ۱۹۷۱-۱۹۷۲)، ج ۶، ص ۲۴۰-۲۴۱. شیخ آقابزرگ طهرانی نسخه ای از النذبة الاولى منسوبة به امام سجاد علیه السلام به خط محمد بن احمد بن محمد شمسطاری را که در سال ۸۶۸ کتابت شده در نزد مرحوم فخرالدین نصیری دیده و در الذریعة (ج ۲۴، ص ۱۰۳) به آن اشاره کرده است. شهرت شمسطاری در متن چاپ شده الذریعة الشمسطاری آمده است.



را آقابزرگ در طبقات اعلام الشيعة، الضياء اللامع، ص ۴۸-۴۸ و بندهایی از آن را در همان کتاب صفحه ۱۳۱-۱۳۲ آورده است. براساس اجازه اخير شمسطاری از شاگردان و مجازان از حسن بن عشره کسروانی بوده است.

مرحوم آقا بزرگ در چند جا شرح حال محمد بن احمد بن محمد شمسطاری را در طبقات اعلام الشيعة (الضياء اللامع) آورده است از جمله در صفحه ۱۳۱ و نسبت او را المطاری خوانده و بیان کرده اند که شاید شهرت مطاری اشاره به مطير آباد / مطار آباد از نواحی اطراف حله داشته باشد که با توجه به قرائت صحیح نام وی یعنی شمسطاری و اینکه وی نواده ابن نجده کرکی است، گفته اخير که به واسطه قرائت شهرت او به مطاری آمده، نمی تواند صحیح باشد و با مراجعه به اصل نسخه طبقات نیز مشخص است که عبارت اخير از تصرفات مرحوم منزوی است و گرنه کسی که نوه ابن نجده کرکی است نباید اهل مکانی در اطراف حله باشد. آقابزرگ در ادامه شرح حال اخير اشاره به اجازه داده شده از سوی شمسطاری به حسین بن علی سبزواری حسینی کرده که در آن وی خود را از نوادگان ابن نجده معرفی کرده است. در خصوص تاریخ درگذشت ابن نجده آقابزرگ مطلبی را که جباعی در مجموعه خود آورده و در بخش اجازات بحار الانوار نیز نقل شده آورده است. تعبیر سرار صفر به معنی شب آخر ماه صفر است که در متن طبقات به واسطه خطای چاپی سرء آمده است. مراجعه به نسخه خطی طبقات اعلام الشيعة نشان داد که مرحوم منزوی در عبارت آقابزرگ دخل و تصرفی کرده است؛ عبارت آقابزرگ چنین است: «الشيخ محمد بن احمد بن محمد المطاری كما يقرأ خطه ولعلها من محال کرک»، بر این اساس عبارت: «ولعله نسبة الى مطير آباد (مطار آباد) من نواحی الحلة و اهلها اکراد» از اضافات مرحوم منزوی است و به دلیل ناآشنایی ایشان با ابن نجده است چرا که آقابزرگ به درستی به این مطلب توجه داشته که ابن نجده از عالمان کرک نوح است.^۱

۱. موارد دخل و تصرف های مرحوم منزوی در طبقات فراوان است، به عنوان مثال در احیاء الدائر من القرن العاشر، ص ۸-۹ و در شرح حال مقدس اردبیلی، دوسوم عبارت آمده در شرح حال ایشان از اضافات مرحوم منزوی است و عبارت مرحوم آقابزرگ در پایان عبارت ألفها باسم ولده أبی الصلاح تقی الدین محمد، پایان می یابد و تمام عبارت آمده در ادامه مطلب از اضافات منزوی است. حضور و نقش فقیهان عاملی نیازمند ارزیابی مجددی است. به عنوان مثال فقیهی عاملی به نام حسن بن ناصر بن ابراهیم عاملی که شیخ حر نیز مطلبی در خصوص او نیاورده و افندی (ج ۱، ص ۳۴۶) نیز بسیار کوتاه از او سخن گفته است. در کتابخانه دانشگاه تهران ضمن مجموعه مشکات به شماره ۷۰۵ نسخه ای نفیس از کتاب قواعد الاحکام موجود است که حسن بن ناصر بن ابراهیم عاملی در برگ ۲۱۴ الف انهاء قرائتی در حاشیه برای کسی که نسخه را نزدش خوانده، نوشته است (انهاه ایدة الله تعالی و ابقاه قراءة و بحثاً و استسراحاً و حفظاً و ضبطاً لما وصل من معانیه و فقه الله

در کتابخانه آیت الله مرعشی، نسخه ای از کتاب التتقیح الرائع لمختصر الشرایع فاضل مقدار سیوری (متوفی ۸۲۶) وجود دارد (شماره ۳۵۶۶) که سید حسین بن سید مرتضی ابراهیم حسینی ساروی از کتابت جلد اول آن را در روز چهارشنبه ۲۲ صفر ۸۶۷ فراغت حاصل کرده و کتابت جلد دوم آن را در روز پنجشنبه ۸ ربیع الثانی ۸۶۷ به پایان رسانده است. درباره محل کتابت نسخه اطلاعی در نسخه نیامده است. در پایان جلد اول، محمد بن احمد الشمسطاری که کاتب نسخه رانزد او خوانده، اجازه روایتی در انجام جلد اول برای کاتب نوشته است که متن آن در حاشیه اندکی بریدگی دارد و تا آنجا که می توان آن را خواند، چنین است:

«قرأ علیّ مولانا الإمام الأعظم العالم العلامة صاحب النفس القدسیة والأخلاق المرضیة، السید الحسیب النسیب، فرع الشجرة الأحمدیة و المرتضویة العلویة، السید عزالدین حسین بن السید مرتضی .. الساری منشأ و مولداً کتاب التتقیح الرائع المختصر من تصانیف شیخنا و امامنا ابی عبد الله المقداد السیوری - تغمده الله برحمته و اسكنه اعلا غرف جنته - من اوله الی (آخره؟) قرأة مرضیة تشهد بفضله و ... مزید علمه و سأل فی اثنائها عما اشکل علیه معضلاته و ابهم من ترداده، فأجبت عن ذلك بحسب جهدی و طاقتی و قد اجزت له اطال الله ایامه روایة هذا الكتاب ... عنی عن الشیخ الفاضل المرحوم زین الدین .. الزاهد عن المصنف فلیرو ذلك لمن شاء و أحب سالکاً طریق الاحتیاط ... لذلك و كتب أضعف العباد ... الخائف من هول یوم التناد ... محمد بن احمد الشمسطاری»^۱.

تعالی و ایانا بذلک بمحمد و آلہ الطاهرین و ذلک فی عدة مجالس آخرها خامس جمادی الآخر سنة خمس و عشرين و سعمائة کتبه العبد الفقیر المحتاج الی رحمة الله تعالی و غفرانه حسن بن ناصر بن ابراهیم العالمی حامداً لله و مصلياً و مستغفراً و الحمد لله رب العالمین). بلاغ ها به خط او در بسیاری از جاهای نسخه آمده است. در برگ ۲۱۴ ب آمده که شیخ جمال الدین ابومنصور ابن مطهر در شب ۲۰ محرم ۷۲۶ درگذشت و فرزندم جمال الدین یوسف بن محمد بن ابراهیم در صبح گاه دوشنبه ۲۳ رمضان ۷۷۳ و خواهرتئی او مریم در شب یکم محرم ۷۷۵ متولد شد. فرزند دیگر او ابوالحسن علی بن محمد بن ابراهیم نیز نزدیک به نیمه شب سه شنبه ۵ ذی القعدة ۷۸۳ و برادرش عزالدین حسن در صبح گاه شنبه ۱۶ ربیع الثانی ۷۸۷ به دنیا آمده اند. بنگرید به: محمد تقی دانش پژوه، فهرست کتابخانه اهدائی آقای سید محمد مشکوة به کتابخانه دانشگاه تهران، ج ۵، ص ۱۹۷۵-۱۹۷۸. به نظری رسد که باید درباره نقش فقیمان عاملی تجدید نظر کرد و ظاهراً به دلیل حضور پرنسگ برخی از آنها چون شهید اول یا مهاجرت برخی از آنها از جبل عامل به عراق و شام اطلاعات در خصوص آنها در سنت تراجم نگاری منعکس نشده باشد.

۱. از عزالدین حسین بن زین الدین علی بن حسام عاملی اجازه ای به سید عزالدین حسین بن سید مرتضی بن ابراهیم حسینی ساری به تاریخ سیزدهم رجب ۷۸۳ نیز در دست است که در آن برخی طرق خود به مشایخ را بیان کرده است (الذریعة، ج ۱، ص ۱۸۷). برای متن اجازه و اهمیت آن بنگرید به: محمد تقی فقیه عاملی، «اجازة ابن الحسام العینائی العالمی من القرن التاسع للسید عزالدین الساری»، کتاب شیعه، سال دوم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۰ش، ص ۲۲۲-۲۲۶. از



انهاء و اجازة اخير که به خط خود شمسطاری است، جای تردیدی باقی نمی گذارد که باید حرف نخست نام او را شین خواند، چرا که اولاً به وضوح در نسخه به صورت شین کتابت شده و دیگر آنکه در نسخه جباعی نیز به صورت سین آمده است. در مواقعی که حرف سین را باید فرد شین بخواند، کاتبان علامتی روی آن نمی گذارند و مواقعی که باید حرف سین را حتما همان سین خواند، علامت هفت مانند روی سین گذاشته می شود تا به خطا شین خوانده نشود اما در مجموعه جباعی، علامتی بر روی سین نیامده که نشان می دهد در آنجا نیز باید حرف مذکور را شین خواند. در پایان جلد دوم شمسطاری، بلاغ انهاء دیگری نیز برای به تاریخ نیمه رمضان ۸۶۹ نوشته است.^۱

دیگر افراد خاندان آل حسام، ابوالغیث احمد بن محمد بن حسن بن الحسام رامی شناسیم که نسخه ای از کتاب تحریر الاحکام الشرعية علامه حلی را در عشر آخر صفر سال ۷۳۰ کتابت کرده و بر این نسخه انهاء السید حسن بن أبوب بن حسین بن مسلم حسینی علوی برای یکی از عالمان به تاریخ ظهر پنجشنبه ۲۰ رمضان ۷۸۴ درج شده است. نسخه اکنون در عتبة عباسیه نگه داری می شود. بنگرید به: احمد علی مجید الحلّی النجفی، «مع الشيخ آقا بزرگ الطهرانی رحمه الله فی کتابه الذریعة»، مخطوطاتنا، العدد الثالث - الرابع (شتاء - ربيع ۱۴۳۶/۲۰۱۶)، ص ۵۴۱.

۱. تصاویر نسبتاً واضحی از انجامة های نسخه التتقیح با دست خط شمسطاری در فهرست نسخه های خطی کتابخانه آیت الله مرعشی، ج ۹، تصاویر ۱۴۱، ۱۴۲ و ۱۴۳ آمده است. توصیف کوتاهی از نسخه نیز در همان مجلد، صفحه ۳۵۴ آمده و توصیف مفصلتری را نیز دوست گرمی آقای حافظیان در فهرست نسخه های عکسی کتابخانه بزرگ حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی، ج ۳، ص ۵۹۶-۵۹۸ آورده جز آنکه شهرت محمد بن احمد را شمیطوای خوانده اند. اهمیت نسخه های مجاز یعنی نسخه هایی که نزد شیخ یا استادی خوانده شده و اجازة روایت بر آن درج شده، سوای اهمیت برای انتخاب نسخه در تصحیح نسخه های خطی، به دلیل در برداشتن اجازة مورد اشاره فواید تاریخی دارد. متأسفانه چنین اجازاتی کمتر از سوی فهرست نگاران در هنگام فهرست نویسی نسخه ها در فهرست ها منعکس شده است. از طریق چنین نسخه هایی حتی می توان برخی از رجال برجسته قهقی که شرح حالشان در منابع نیامده را شناسایی کرد. به عنوان مثال در کتابخانه دانشگاه تهران، نسخه ای از کتاب الدروس الشرعية شهید اول به شماره ۶۵۹۹ موجود است که یکی از شاگردان ابن فهد حلی به کسی دیگر اجازة روایت داده و به شاگردی خود نزد ابن فهد نیز تصریح کرده است. متأسفانه به دلیل دردسترس نبودن نسخه خطی آن شهرت او را که به درستی در فهرست ثبت نشده، را نتوانستیم شناسایی کنیم (قرأ علیّ الشیخ الامام العالم العامل الفاضل الكامل شیخ الاسلام والمسلمین البعض من کتاب الدروس الامامية فی الاحکام شرعية وما فیہ سماعاً و سأل فی اثناء قرائته و سماعه بما حضره من الفوائد الجلیة فاجبته بما انتهت الیه فطنتی واحاط به علمی فی تلك الحال و اجزت له نقل ما تحقّق منی و روايته عنی لما علمته من قبله و رواه و علیه ان یروی ذلك و ینقله لمن شاء و احب حیاطاً؟) منی و له ذلك و اجزت له نقل جمیع ما قواه (فتواه؟) الشهید رحمه الله فی هذا الكتاب و غیره و ترجیحاته عنی عن والدی رحمه الله عن مصنفه و اجزت له ایضاً روایة المذهب للشیخ جمال الدین احمد بن محمد بن فهد الحلّی و اجزت له المقتصر منه فی شرح النافع و اجزت له ایضاً جمیع مصنفاته و رسائله عنی عن المصنف و اجزت له الشرائع و المختصر و نکت النهایة من مصنفات الامام الاعظم السعید ابی القاسم ابن سعید الحلّی عنی عن شیخی الامام العلامة احمد بن محمد بن فهد عن شیخه الامام العالم الكامل الزاهد نظام الدین النبلی عن بن عبد الحمید عن شیخه الامام العلامة فخر المحققین محمد عن والده الامام الاعظیم مفتی الفرق ابی منصور الحسن عن والده سدید الدین یوسف بن مطهر عن المصنف قدس الله ارواحهم الذکیة و

همچنین در کتابخانه دانشگاه تهران به شماره ۱۸۵۷ نسخه نفیسی از قواعد الاحکام علامه حلی موجود است که سلطان بن حسن بن سلطان حسینی علوی شجری قمی در میانه ربیع الثانی ۸۲۱ از کتابت جزء اول کتاب (از کتاب طهارت تا پایان وصیت) فراغت حاصل کرده است. بخش دوم کتاب مشتمل بر کتاب النکاح نیز به شماره ۸۶۷۳ در کتابخانه آیت الله مرعشی موجود است و تاریخ فراغت از کتابت آن سلخ ربیع الاول ۸۲۳ ذکر شده است.^۱ در هر حال از مطالبی که بر ظهر هر دو نسخه آمده، دلالت دارد که در ۱۰۶۵ که علم الهدی محمد پسر فیض کاشانی هر دو مجلد کتاب را در اصفهان خریده است. مجلد اول دانشگاه تهران در برگ ۱۰۰ مشتمل بر شعری از سید جلال الدین مطارآبادی در ستایش جمال الدین دارد. نسخه زمانی در اختیار علی بن هلال جزایری عراقی بوده و خط او به تاریخ روز دوشنبه ۱۲ رمضان ۸۹۰ در برگ ۲ رو آمده است. در برگ ۳ راجازة قرائتی از محمد بن علی بن حسام به شیخ بدرالدین حسن بن العشرة به تاریخ ۱ رمضان ۸۷۲ آمده است. در برگ ۵ راجازة قرائت نسخه توسط علی بن حسین بن محمد استرآبادی به کاتب نسخه به تاریخ ۸۲۰ و در پایان نسخه اجازة قرائتی از محمد بن احمد شمسطاری (که به خطا در فهرست سمطاری خوانده شده است) با تاریخ ۲۲ جمادی الثانی ۸۷۱ آمده است (انها ایده الله وابقاه.. و التوفیق... قراءة و بحثاً و ضبطاً و فهماً و سال فی اثناء قرائته عن معضلاته و بحث عن... و مشکلاته فاجبته بحسب الجهد و الطاقة فی مجالس متعددة اخرها اليوم الثانی و العشرین من شهر جمادی الاخر من شهر سنة احد و سبعین و ثمانمائة و کتب اضعف العباد الحاصر فهم و الباد الوائق بالخالق الباری محمد بن

افاض علی تربیتهم المرحم الربانیة و اجزت له ایضاً ان له بیروی عنی جمیع مصنفات ابی القاسم ابن سعید بالسند المذكور و کتب الحسن بن اسماعیل بن علی الهی مرای و ذلك فی آخر نهار السبت لخامس ربیع الاول سنة احد و خمسين و ثمانمائة و الحمد لله وحده). بنگرید به: محمد تقی دانش پزوه، فهرست نسخه های خطی کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران (تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۵۷ش)، ج ۱۶، ص ۳۰۴-۳۰۵.

۱. انجامة جلد دوم در کتابخانه مرعشی چنین است: «تم کتاب قواعد الاحکام فی معرفة الحلال و الحرام و الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی خاتم النبیین محمد و آله المنتجبین الی یوم الدین. وقع الفراغ من تحريره لنفسه و لمن یشاء من المؤمنین بعده من اهله و اخوانه بحضرة الامام المفترض الطاعة علی سائر الانام الامام اسد الله الغالب... المرتضى امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه افضل الصلوات و اکمل التحیات علی ید العبد الفقیر الحقیر الغریق فی بحر محبة الائمة المعصومین سلطان بن الحسن بن سلطان الحسین الحسینی الشجری القمی موطناً ختم الله اعماله بالصالحات و رزقه شفاعه جده یوم تطوی السماوات له و لوالديه و لاستادیه و لجمیع المؤمنین و المؤمنات آمین فی تاریخ سلخ ربیع الأول سنة ثلاث و عشرين و ثمان مائة هجرية نبوية صلی الله علیه و آله و سلم.

فکم من خطوط باقیات فواخر و صاحبها قد غیرته المقابیر
 اموت و بقی بعد موتی دفاتر).
 کذلک خطی فی الدفاتر مضمّر

احمد الشمسطاری حامداً لله و مصلياً على رسوله وآله الطاهرين صلى الله عليهم اجمعين). بلاغ قرائت نسخه (بلغت قراءة ايدہ الله) در جاجای نسخه آمده است. حواشی به خط ریزتر با نشانه ن ع در حواشی آمده که به گمان مرحوم دانش پژوه از آن عمید الدین است چرا که در پایان آن آمده است: «والحمد لله على التمام والتوفيق. قال السيد عميد الدين رحمه الله تم الجزء الاول من كنز الفوائد في شرح مشكلات القواعد وبالله التوفيق ومنه الاعادة والهداية الى سواء الطريق وذلك في اوقات اولها منتصف رجب الاصب المبارك من سنة سبع وثلاثين و سبعمائة و آخرها العشرون من شعبان من السنة المذكورة والحمد لله وحده و صلوته على نبيه و آله و فرغ من كتابته في حرم جده الغروی على مشرفه السلام اضعف العباد محمد بن الحسن الحسنی القمی اصلح الله شأنه و للمؤمنين في سنة شديدة غالية في اواخر صفر تاريخ سنة خمس و عشرين و ثمانمائة»^۱.

اطلاعات آمده درباره شمسطاری و خاندان ابن حسام نشانگر اهمیت و اعتبار علمی جبل عامل در سده های هشتم و نهم هجری پیش از ظهور صفویه و ارتباط عالمان امامی ایران با فقیهان جبل عامل است؛ مطلبی که عمده دانسته های ما در خصوص آن بر اساس نسخه های خطی است. از سوی دیگر شناخت خاندان های علمی جبل عامل و تشخیص هویت صحیح آنها نیز بر پایه مراجعه به مکتوبات کتابت شده توسط آنها می تواند ضمن در اختیار قرار دادن اطلاعات صحیح در خصوص آنها، مطالب تازه ای در اختیار ما قرار دهد.^۲

۱. بنگرید به: محمد تقی دانش پژوه، فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران (تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۳۹ش)، ج ۸، ص ۴۵۰-۴۵۷. متأسفانه تصاویر آمده چندان خوانا نیست. حدس دانش پژوه صحیح است و در حقیقت حواشی نقل شده در نسخه به نقل از کتاب کنز الفوائد فی حل مشکلات القواعد عمید الدین است که در مجلد دوم نیز در حاشیه ذکر شده است.

۲. به دلیل ضعف سنت تراجم نگاری شیعی در سده های میانه اطلاعات ما درباره عالمان امامی خاصه ساکن در مناطق شام بسیار اندک است. به عنوان مثال عالمی به نام سید یوسف بن حماد حسینی از شاگردان علامه حلی و مجازین از او توسط صفدی به صورت بسیار مختصر معرفی شده است (یوسف بن حماد الشریف جمال الدین الحسینی المشهدی الإمامی، شیخ الشیعة و مفتیهم. حج مرات و جاور به مکه و له نظم. مات فی المعترك سنة سبع و عشرين و سبع مائة). بنگرید به: خلیل بن آیبک الصفدی، أعیان العصر و أعوان النصر، حققه علی أبوزید، نبیل أوعمشة، محمد موعد و محمود سالم محمود (بیروت: دار الفکر المعاصر، ۱۴۱۸/۱۹۹۸)، ج ۵، ص ۶۲۲ که همین شرح حال مختصر را سخاوی در الدرر الکامنة، ج ۴، ص ۴۵۲ نیز آورده است. صفدی در ضمن شرح حال صالح بن عبدالله بن جعفر مشهور به ابن صباغ که در هفدهم صفر ۷۲۹ درگذشته، مطلب دقیقتری در خصوص زمان درگذشت ابن حماد آورده و نوشته است: «مات هو - یعنی ابن صباغ - یوم الجمعة و مات قبله ليلة الجمعة الإمام السيد الشریف جمال الدین یوسف بن حماد المشهدی و كان شیخ الشیعة و مفتیها و له قصائد نبویة، و شعره رقیق، و كان مُعظماً بالمدینة النبویة و بالعراق» (أعیان العصر و أعوان النصر، ج ۲، ص ۵۴۷). اطلاع شیخ حر عاملی درباره ابن حماد حسینی، تنها بر اساس ذکر نام وی در اجازات و سلسله طرق روایت بوده است و شناختی از

همچنین در توضیح علت این مطلب که عالمان اخیر علیرغم آنکه شخصیت‌های برجسته‌ای در روزگار خود بوده‌اند اما نام و نشان آنها در کتابهای تراجم و طرق اجازات به ندرت آمده، باید گفت که این مسئله سوای نبود سنت تراجم نگاری گسترده در سنت شیعه، شاید به این مطلب بازگردد که در قرن دهم و یازدهم در سنت اجازات شیعه، با ظهور شخصیت‌های

ابن حماد نداشته و تنها براساس همان مطالب مذکور در اجازات اشاره‌ای کوتاه به طبقه او کرده است و نام او را به دو صورت و با احتمال یکی بودن آورده است (امل‌الامل، ج ۲، ص ۳۴۹، ۳۵۰. افندی نیز همین مطالب را بدون اطلاع بیشتری نقل کرده است. ریاض العلماء، ج ۵، ص ۳۹۲، ۳۹۹). در کتابخانه آیت الله مرعشی نسخه‌ای از کتاب خلاصة الاقوال به شماره ۶۶۰۶ موجود است که در انتهای آن صورت اجازة علامه حلی به شاگردش جمال الدین یوسف بن ناصر بن محمد بن حماد حسینی که نسخه‌ای از خلاصة الاقوال را نزد علامه خوانده، آمده است. تاریخ اجازة ۱۱ ذی قعدة ۷۲۳ و مکان آن نیز نجف است. تعبیر مشهدی که صفدی در زیارة ابن حماد به کار برده، اشاره به اقامت طولانی ابن حماد در نجف دارد. اجازة علامه به ابن حماد حسینی چنین است: «قرأ علی السید الکبیر الحسیب النسیب المعظم الزاهد الورع، سید الأشراف مفخر آل عبدمناف، جمال الدین یوسف بن ناصر بن محمد بن حماد الحسینی - أعاده الله برکته و أدام أيامه و عضد ببقائه - هذا الكتاب من أوله إلى آخره قراءة مرضية مهذبة و سأل عن المواضع التي يحتاج إلى تحقیقها فأجبتة، فأخذ ذلك أخذ محقق مدقق، و قد أجزت له رواية هذا الكتاب و غیره من مصنفاتی فی العلوم العقلية و النقلية و جمیع كتب أصحابنا المتقدمین - رضوان الله علیهم أجمعین - بالطرق المتصلة منی إلیهم، فلیرو ذلك محتاطالی وله، أحسن الله إلیه و أفاض نعمه علیه. و كتب العبد الفقیر الی الله تعالی حسن بن یوسف بن المطهر الحلی فی حادی عشر ذی العقدة من سنة ثلاث و عشرين و سبعمائة الحضرة الشریفة الغرویة صلوات الله علی مشرفها و السلام». با توجه به تاریخ اخیر یعنی ۷۲۳ و زمان درگذشت ابن حماد که صفدی آورده یعنی ۷۲۶ به احتمال بسیار ابن حماد سالهای آخر عمرش در نجف سکونت داشته و مجاورت در مکه به دوران میانسالی عمرش بازگردد. دوست عزیز سید علاء الموسوی در توجه به چنین مطالبی و لزوم گردآوری آنها برای بحث از تاریخ تشیع در تذکری مکتوب به بنده در ضمن گفتگو درباره کتابی در خصوص مراکز علمی شیعه در سده‌های میانه متذکر شدند: «حوزة البحرین بمسماها الکبیر، لا یغفل عنها، فقد خرجت أساطین المذهب و أسأل الله أن یسیر لی الاطلاع علی الكتاب، فأحب أن أقف علی ما حکاه فیما یتعلق ببلاد الشام، إذ تبین لی من خلال البحث و الاطلاع أنه کانت فی دمشق حوزة مهمة جداً، إلا أنها مهملة الذکر و موضعها فی آیامنا هذه فی حى الخراب الدمشقی، و الذی بات يعرف الیوم بحی الأملین، نسبة إلی العلامة السید محسن الأملین، و یتضح أن موضع مدرستها هو مسجد الزهراء علیها السلام، و هو مسجد قدیم جداً، عمره قرون عديدة. بالنسبة إلی أهل المدينة، فقد کانوا یتستفیدون فی أواخر القرن السابع و بداية الثامن من السید جمال الدین أبی الحاسن یوسف ابن حماد الحسینی الغروی، و کان کثیر التردد علیهم و الإقامة بینهم، و کان معظماً جداً عند أمرائها السادة بنی حسین، أمراء المدينة، و کانوا شیعة إمامیة». مرحوم مجلسی به نقل از مجموعه شمس الدین محمد جبای، در بیان طریق شهید اول در قرائت قرآن و شاطبیه آورده که شهید اول به نقل استادش جمال الدین احمد بن محمد بن حداد حلی از سید جمال الدین ابی الحاسن یوسف بن ناصر بن حماد حسینی غروی اجازة روایت داشته است. در متن اجازة استادان ابن حماد در قرائت ذکر شده است. بنگرید به: مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰۴، ص ۲۰۱-۲۰۲. از میان استادان قرائت ابن حماد که نامش در سلسله سند اخیر آمده، نسابه ساکن در مشهد غروی رضی الدین ابو محمد حسین بن قتادة بن مزروع - نام اخیر در متن چاپ شده بحار به خطا به مزروح تصحیف شده است - علوی حسنی مقری عراقی در ضمن درگذشتان سال ۹۸۱ توسط ذهبی آمده و به نقل از ابن فوطی در اشاره به او نوشته است: «.. و کان عارفاً بالأنساب و القراءات، أمّ بالمشهد و كتب الناس عنه. قال ابن الفوطی: مات فی حادی عشر شوال». بنگرید به: شمس الدین محمد ذهبی، تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الأعلام، تحقیق بشار عواد معروف (بیروت: دار الغرب، ۲۰۰۳/۱۴۲۴)، ج ۱۵، ص ۴۴۸.

برجسته‌ای چون محقق کرکی، شهید ثانی و شیخ بهایی که در طرق روایت آنها افراد مذکور نبودند، باعث شده تا گرد نسیان برنام فقیهان مورد اشاره بیفتند، هر چند نام و یاد آنها از حافظه جمعی امامیه غایب نبوده است.^۱

۱. به عنوان مثال از خاندان های عریق شیعی در عراق عجم، خاندان فتحان قمی را باید ذکر کرد که عمده اطلاعات ما دربارهٔ دربارهٔ آنها محدود به برخی نسخه هایی باقی مانده از کتابت یا تملک افراد این خاندان جلیل القدر است. در کتابخانهٔ مدرسهٔ جعفریه شهر قائن به شمارهٔ ۱۵۲ نسخه ای از کتاب شرح طوابع الانوار موجود است که تملک ابراهیم بن عبدالله بن فتح الله به سال ۸۹۶ با مهر دائری «المتوکل علی الله الحافظ عبده ابراهیم بن عبدالله الواعظ» دارد و او کتاب را بعدها به نوهٔ خود وجیه الدین ابی العلاء عبدالله در صفر ۹۲۸ بخشیده است (هو؛ هذا الكتاب حق للأعز الاغر الذی اسئل الله ان يطول عمره فی تحصیل الكمالات والمعارف والسعادات وجیه الدین ابی العلاء عبدالله انبتہ الله نباتاً حسناً وایده بمحمد واله... له کتبه جده ابراهیم فی صفر سنة ۹۲۸). ابراهیم بن عبدالله در سال ۸۹۶ کتاب را بدست آورده و در تملکی چنین نوشته است: «دخل فی نوبة الفقیر الی الله سبحانه ابراهیم بن عبدالله بن فتح الله کتبه فی سنة ۸۹۶». بنگرید به: سید جعفر حسینی اشکوری، فهرست نسخه های خطی کتابخانه های قائن، ص ۱۳۲-۱۳۳ که تصویری از صفحه تملکات نسخه نیز آمده است. این کتاب بعدها به دست شخصی به نام سلطان محمود قاینی افتاده است (انتقل الی العبد الاقل سلطان محمود القائینی). نسخه ای از مجمع البیان به شمارهٔ ۳۲۹۷ در کتابخانهٔ آیت الله مرعشی موجود است که ابراهیم بن عبدالله بن فتح الله بن عبدالملک بن اسحاق بن عبدالملک واعظ کتابت کرده و در روز دوشنبه هشتم جمادی الثانی ۹۲۰ از استنساخ آن فراغت حال کرده و مهر وی با سجع «المتوکل علی الله الحافظ عبده ابراهیم بن عبدالله الواعظ» نیز بر آن هست (فهرست مرعشی، ج ۹، ص ۷۹). خاندان فتحان از خاندان های اصیل و بیوتات قم در میان استیلای مغول تا اوایل عصر صفوی است که دانشمندان از آن برخاسته اند که از جمله نیای خاندان فتحان (فتح الله در تعبیر متداول قمی که به صورت فتحان تلفظ می شود) واعظ قمی که نامشان در شماری از اجازات و تملکات باقی مانده است. بنگرید به: سید حسین مدرسی طباطبائی، «خاندان فتحان»، قیام (مجموع مقالات دربارهٔ قم) (نیوجرسی، انتشارات زاگرس، ۱۳۸۶ش)، ص ۷-۳۶ و ذیل مقالهٔ مذکور با عنوان «مدارک نویافته دربارهٔ خاندان فتحان» در همان، ص ۳۷-۴۸. ابراهیم فرزندی به نام محمد داشته که تملک او بر در آغاز نسخهٔ ایضاح فخر المحققین در دانشگاه تهران شمارهٔ ۵۲۳۷ آمده است (دخل فی نوبة العبد الأقل محمد بن ابراهیم بن عبدالله بن فتح الله بن عبدالملک بن اسحق المذكور من قبل، حرره متوکلاً علی ربه). استاد ارجمند سید حسین مدرسی طباطبائی گوید: نسخه ای کهن از کتاب روض الجنان / تفسیر ابوالفتوح رازی به شمارهٔ ۳۶۸ در کتابخانهٔ آیت الله مرعشی موجود است که زمانی در تملک شمس الدین اسحاق بن عبدالملک بن فتحان بوده و دست خط او به تاریخ صفر ۷۷۳ بر نسخه آمده است (صار فی نوبة العبد الحافظ اسحق بن عبدالملک (بن) فتحان الواعظ احسن الله عواقبه (بالمبایعة) الشرعیة من صاحبه فی ص... ثلاث و سبعین و سبعمائة الحمد لله رب العالمین). در حاشیهٔ برگ تملک آمده که در سال ۷۷۳ شمس الدین اسحاق برای زیارت آستان قدس رضوی علیه السلام به خراسان رفته و در سبزوار نزد دانشمند شهر یعنی تاج الدین حسن شیعی سبزواری نسخه حاضر را دیده و از او خریداری کرده است. نسخهٔ اخیر در تملک خانوادگی آنها بوده و بخشی از عبارت در خصوص تملک نسخه که سالم مانده، چنین است: «هو واهب العطايا بما اعطانی جل جلاله و عمّ نواله ذلك الكتاب المبارك بالارث الشرعی و فیه خط ... اشتری ... شمس الدین اسحق المذكور اسمه و اسم ابیه و جده رحمهم الله تعالی هذا الكتاب من مولانا الاعظم المغفور تاج الدین حسن الشیعی السبزواری رحمه الله بالمبایعة الشرعیة ... بلدة سبزوارة حمها الله مع اهلها عن الأتمام والأوزار حین توجه الی زیارة الحضرة المقدسة الرضویة علیه اطایب السلام و الصلوة من الله الملك العلام فی صفر سنة ثلث و سبعین و سبعمائة كما کتب بانامله الشریفه، ثم انتقل الی ابنه المخدم العلامة المبرور رضی الدین عبدالملک طاب ثراه، ثم انتقل منه الی ابنه المرحوم العلامة المغفور علاء الدین فتح الله جعل الجنة مثواه ثم انتقل منه الی العبد المذنب المفتقر الی رحمة الله عبدالله ثم انتقل منه الی ابنه الاعزضی الدین ابراهیم



پیوست

دربارهٔ حیات فرهنگی و اجتماعی جبل عامل میان دوران شهید اول تا شهید ثانی، عمده اطلاعات ما براساس کتاب امل الامل است اما کتاب اخیرتها مشتمل بر برخی اطلاعات است که شیخ حرعاملی عموماً براساس اجازات در دست و نسخه‌های خطی که از آثار فقیهان عاملی دیده، گردآوری کرده است. در واقع اطلاعات فراوانی همچنان وجود دارد که می‌باید در میان نسخه‌های خطی به جستجو و استخراج آنها پرداخت. به عنوان مثال عاملی به نام یوسف بن محمد بن ابراهیم شامی میسی را می‌شناسیم که آثار را کتابت کرده و تصریح نموده که آنها را برای استفادهٔ خود کتابت کرده است که نشان می‌دهد از جمله اهل علم بوده است. نکتهٔ مهمتر در خصوص او آن است که برخی از آثار کتابت شده توسط او، بعدها در تملک دیگر عالم هم ولایتی او یعنی محیی الدین احمد بن تاج الدین میسی (زنده در ۹۵۴) بوده است. از دیگر آثار کتابت شده توسط یوسف بن محمد بن ابراهیم میسی، نسخه‌ای از کتاب قواعد المرام ابن میثم بجرانی را باید نام برد که در کتابخانهٔ مجلس به شمارهٔ ۱۶۹۷ موجود است و تاریخ کتابت

طالب الله عمره ب محمد وآله ثم انتقل الى ابنه الاعز علاء الدين اسحاق ... طال عمره...». کاتب نسخهٔ روض الجنان ابوسعید بن الحسین الکاتب بهیقی است که در روز یکشنبه ۱۲ صفر ۵۹۵ از کتابت نسخه فراغت حاصل کرده است. برای معرفی نسخه بنگرید به: فهرست کتابهای خطی کتابخانهٔ آیه الله مرعشی، ج ۱، ص ۳۸۸-۳۸۹. عالمان امامی و شیعیان در طول تاریخ به مشهد سفر می‌کرده‌اند و مدتی را در آنجا اقامت می‌گزیده‌اند جز آنکه اطلاعات مربوط به سفر به مشهد در منابع کمتر ثبت شده است اما در حواشی نسخه‌های خطی می‌توان اطلاعاتی در این خصوص یافت. به عنوان مثال در کتابخانهٔ آیت الله مرعشی به شمارهٔ ۵۴۷۷ نسخه‌ای از کتاب مجموعهٔ ورام است که کاتب عاملی آن در آخر آن گفته است: «تم الكتاب بعون الملك الوهاب بقلم العبد الفقير الى الله تعالى حسن بن محمد العاملي التبنيني ضحوة نهار السبت الثاني والعشرين من شهر ربيع الآخر من شهر سنة ثلاثة وثمانين وتسعمائة بالمشهد الرضوي على مشرفة افضل الصلاة والتسليم بحق محمد وآله الطيبين الطاهرين». همچنین غیاث الدین عبدالکریم بن احمد بن موسی بن طاووس حسنی بغدادی (متوفی ۶۹۳) در هنگام بازگشت از مشهد الرضا در آوه، ندبهٔ مشهور امام سجاد علیه السلام را برای حسن بن محمد بن ابی الحسن الآوی روایت کرده و او آن را در ضمن مجموعه‌ای که در سال ۷۰۸ کتابت کرده، نقل کرده است (تمت الندبة ب محمد الله تعالی و جسيم فضاله و الصلوة و السلام على محمد وآله واصحابه بأوه على يدي صاحب الكتاب الحسن بن محمد بن ابی الحسن الآوی في ربيع الآخر سنة ثمان وسبع مائة) (برای تصویر نسخهٔ اخیر و دیگر مطالب مندرج در آن بنگرید به: سید جعفر حسینی اشکوری و سید صادق حسینی اشکوری، فهرست نسخه‌های عکسی مرکز احیاء میراث اسلامی (قم، ۱۳۷۷ش/۱۴۱۹)، ج ۱، ص ۲۵۳-۲۵۴). برای متن ندبهٔ اخیر که ابن عساکر در تاریخ مدینه دمشق، تحقیق علی شیری (بیروت، ۱۹۹۶/۱۴۱۷، ج ۴۳، ص ۴۰۳-۴۰۸) خود نیز آن را آورده بنگرید به: «الندبة الأولى للإمام علی بن الحسین السجاد علیهما السلام، ثلاثاً، السنة الخامسة عشر، ربيع الثاني وجمادی الأولى وجمادی الثانية ۱۴۲۰، العدد الثاني، ص ۲۰۳-۲۳۷؛ محمد کاظم محمودی، «ندبة الإمام السجاد علیه السلام برواية الحسن بن محمد بن أبی الحسن الآوی»، میراث حدیث شیعه، به کوشش مهدی مهریزی و علی صدرایی خویی (قم، ۱۳۷۹ش)، دفتر پنجم، ص ۱۶۵-۲۰۴.



آن ۸۴۷ است. تاریخ کتابت نسخه کمی نامشخص است و احتمالاً نسخه‌ای که سماوی کتاب قواعد المرام را براساس آن کتابت کرده، یا همان نسخهٔ مجلس است یا نسخه‌ای کتابت شده براساس نسخهٔ مجلس جزآنکه ایشان تاریخ کتابت را ۸۵۲ خوانده است. بر نسخهٔ مجلس تاریخی از ۱۰۸۷ نیز درج شده است. در انجامةٔ نسخهٔ مجلس یوسف میسی ضمن اشاره به تاریخ کتابت نسخه به این مطلب که نسخه را برای استفادهٔ خود کتابت کرده نیز اشاره کرده و نوشته است:

«... و فرغ من تعلیقه لنفسه اضعف عباد الله فی یوم... یوسف بن محمد بن ابراهیم بن یوسف المیسی الشامی اصلح... بمحمد وآله و ذلك عند الظهر و یوم الاربعاء عاشر شهر الله المبارک رمضان من شهر سنة سبعة و اربعین و ثمانمائة هجرية نبوية و الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله و صحبه و سلم و حسبنا الله و نعم الوکیل».

از دیگر آثار کتابت شده توسط یوسف بن محمد بن ابراهیم میسی، نسخه‌ای از کتاب کنز العرفان فی فقه القرآن فاضل مقداد سیوری (متوفی ۸۲۶) - موجود در کتابخانهٔ آیت الله مرعشی به شمارهٔ ۴۸۴ - است که وی از کتابت آن در روز یکشنبه ۲۱ ربیع الاول فراغت حاصل کرده است (و فرغ من تسویده اضعف عباد الله تعالی و احوجهم الی رحمة... یوسف بن محمد بن ابراهیم المیسی اعانه الله علی طاعته و ذلك عند الظهر من یوم الاحد حادی و العشرین لیلة خلت من شهر ربیع الاول). تاریخ کتابت نسخه ذکر نشده اما در حاشیه بلاغ مقابله نسخه آمده است جزآنکه تاریخ در تصویر در اختیار خوانا نیست و شاید تاریخ ۸۵۸ یا ۸۴۸ باشد نسخه باید در همان تاریخ یا اندکی پیش از آن کتابت شده باشد (بلغت المقابلة بحسب الجهد و الطاقة بنسخة قوبلت باصل المصنف رحمه الله و ذلك فی سنة ثمان و... و ثمانمائة). نسخهٔ حاضر بعدها در تملک شیخ محیی الدین بوده که باید همان شیخ محیی الدین میسی باشد. در هر حال شیخ محیی الدین جد مادری صاحب معالم است و نجشی از کتابخانهٔ او بعدها به ارث به صاحب معالم رسیده است و این مطلب که بر نسخهٔ حاضر تملک شیخ محیی الدین آمده نشان می‌دهد که نسخهٔ حاضر از جمله نسخه‌های خطی کتابخانهٔ صاحب معالم بوده است که به ایران منتقل شده است. در کتابخانهٔ آستان قدس رضوی به شمارهٔ ۷۷۳۴ نسخه‌ای از کتاب شرح المائة کلمة از ابن میثم بحرانی وجود دارد که مشتمل بر جواز السفر للافطار شهید اول (معرفی شده با شمارهٔ ۷۷۳۵ آستان قدس رضوی) و شرح خطبةٔ



ششسقیه و دو اجازه از علامه حلی برای مهنا بن سنان است و تاریخ فراغت از کتابت شرح المائة کلمة سه شنبه ربیع الثانی ۸۵۵ است و کاتب آن یوسف بن محمد بن ابراهیم یوسف میسی است که فهرست نگار به خط امینی خوانده است. درباره تملک نسخه اخیر اطلاعی نیامده اما ظاهراً وی ربطی با محیی الدین میسی داشته که می دانیم چند نسخه دیگر کتابت شده توسط او را در اختیار داشته، آیا وی جد شیخ محیی الدین میسی بوده یا عالمی هم محل با او؟ (بنگرید به: براتعلی غلامی مقدم، فهرست کتب خطی کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد آستان قدس رضوی (مشهد، ۱۳۷۶ش)، ج ۱۴، ص ۳۰۲-۳۰۳). دست آخر مجموعه ۸۰۴۱ کتابخانه آستان قدس رضوی که مشتمل بر نسخه ای از کتاب نجات العباد ابن میثم بحرانی است توسط یوسف بن محمد بن ابراهیم کتابت شده و تاریخ کتابت آن رمضان ۸۵۲ است^۱ و بر این نسخه که زمانی در تملک شیخ حسن صاحب معالم بوده، این مطلب آمده که: «هذا الكتاب من جملة كتب جدی الشیخ محیی الدین قدس الله نفسه، و کتب حسن بن زین الدین». احتمالی هست که یوسف بن محمد بن ابراهیم میسی نسبتی با شیخ محیی الدین میسی داشته باشد. در هر حال اگر ارتباطی نسبی نیز میان این دو وجود نداشته باشد، نشان از تداوم سنت علمی در جبل عامل و نقش عالمان عاملی در کتابت موراث کهن و حفظ و انتقال آن را نشان می دهد. کتاب اخیر از جمله کتابهای کتابخانه خانوادگی خاندان شهید ثانی بوده که بخشی از آن در روزگار شیخ علی کبیر (متوفی ۱۱۰۴) به ایران منتقل شده و اکنون نسخه هایی از آن در کتابخانه های مختلف کشور پراکنده شده و شناسایی آنها خالی از فایده و لطف نیست.^۲

همانگونه که گفته شد، حر عاملی ساهای طولانی برای نگارش کتاب امل الآمل، اطلاعات مورد نیاز را گردآوری می کرده است. بخشی از اطلاعات ایشان، مطالب برگرفته از اجازات و نام افراد ذکر شده در طرق اجازات بوده و بخشی دیگر مطالب آمده در نسخه های خطی. اشکال بهره گرفتن از نسخه های خطی در این است که گاه نام فرد یا نویسنده کتاب به صورت های مختلفی بر نسخه ها درج می شود و این خود باعث اشکالاتی است. از جمله این

۱. درباره یوسف میسی شامی همچنین بنگرید به: سید محمد رضا حسینی جلالی، علم تحقیق النصوص ما هو.. ولماذا.. و کیف (نخف، ۲۰۱۲/۱۴۳۳)، ج ۲، ص ۱۴۰-۱۴۶. شهرت میسی شامی، یوسف بن محمد بن ابراهیم در الذریعة، ج ۲۴، ص ۶۱ در اثر بد خوانی یا اشکالی مشابه به صورت المعانی آمده که به احتمال بسیار باید تصحیف کتابت الشامی باشد.

۲. برای چند نسخه کتابت شده توسط شیخ محیی الدین میسی بنگرید به: محمد کاظم رحمتی، «ملاحظات در باب برخی نسخه هایی خطی»، میراث شهاب، شماره ۷۵ (بهار ۱۳۹۳ش)، سال بیستم، شماره اول، ص ۵۱-۵۴.



موارد باید به شرح حال شرف الدین بن علی استرآبادی اشاره کرد. شیخ حر عاملی نخست از عالمی به نام «الشیخ شرف الدین بن علی النجفی» یاد کرده که کتاب مشهوری به نام الآیات الباهرة فی فضل العترة الطاهرة نوشته و براساس تلخیصی از آن که در ۹۳۷ صورت گرفته و افندی این تاریخ را در چند نسخه از کتاب دیده و گزارش کرده (ریاض العلماء، ج ۳، ص ۲۳۲) - می دانیم کتابش را پیش از این تاریخ نوشته است. شیخ حر در ادامه شرح حال شرف الدین گفته که کتاب او گاه به کراچکی نیز نسبت داده می شود که براساس مطالب نقل شده در کتاب از آناری چون کشف الغمة اربلی و آثار علامه حلی، چنین نسبتی نادرست است. در ادامه شیخ حر در اشاره به نسخه هایی از کتاب تأویل که خود دیده، نوشته است:

«...ولکن لهذا الكتاب نسختان؛ احدهما فیها زیادات و ینقل فیها من کثر الفوائد للکراچکی و من کتاب ما نزل من القرآن فی أهل البيت علیهم السلام لمحمد بن العباس المعروف بابن الجحام الثقة». (امل الآمل، ج ۲، ص ۱۳۱)

براساس عبارت اخیر می توان دریافت که شیخ حر دست کم دو نسخه از کتاب تأویل الآیات را دیده که با یکدیگر تفاوت داشته اند؛ دلیل این تفاوت این است که ظاهراً یکی از دو نسخه های که شیخ حر دیده؛ نسخه کامل کتاب بوده و دیگری نسخه ای از تلخیص کتاب که ظاهراً نباید در آن نسخه نام تلخیص گرآمده باشد یا ممکن است که به دلیل عدم آشنایی شیخ حر با تلخیص کتاب، گمان کرده که نام فرد آمده در تحریر اخیر، نام کاتب کتاب باشد. شاهدی بر این مطلب آن است که شیخ حر از فرد اخیر نامی در جلد دوم امل الآمل نیاورده است. شیخ حر عاملی بار دیگر و براساس نسخه ای از کتابی که او آن را شرح جعفریة محقق کرکی معرفی کرده و اشاره ای به نام آن نکرده از شخصی به نام «شرف الدین علی استرآبادی» سخن گفته است. فرد اخیر براساس آنچه که در کتابش آورده، از شاگردان محقق کرکی بوده است. شیخ حر اشاره نموده که نسخه اخیر را در کتابخانه حرم رضوی دیده است (.. و قد رأیت هذا الكتاب فی خزينة الكتب الموقفة بمشهد الرضا عليه السلام). (امل الآمل، ج ۲، ص ۱۷۶). خوشبختانه نسخه ای که شیخ حر دیده اکنون در کتابخانه آستان قدس رضوی به شماره ۲۴۹۹ باقی است و نام آن بر ظهر نسخه الغرویة فی شرح الجعفریة آمده و نام مؤلف نیز شرف الدین علی حسینی. به واقع شیخ حر به دلیل عدم شناخت از شرف الدین بن علی حسینی استرآبادی غروی و نبود مطالب کافی، رعایت امانت کرده و همانند رسمی متداول در سنت

تراجم نگاری هر دو فرد را به همان صورت که در منابع دیده، در کتابش ذکر کرده است.^۱ از میان نسخه‌های متعدد کتاب تأویل الآیات، کهنترین آنها نسخه شماره ۲۰۱۱ دانشگاه تهران است که پیش از ۸۹۹ کتابت شده و در تملک علی بن ابی طی و فرزندش محمد بن علی بن

۱. برای شرح حال شرف الدین بن علی حسینی استرآبادی نجفی بنگرید به: افندی، ریاض العلماء، ج ۳، ص ۸-۹، ج ۴، ص ۶۶-۶۹. افندی (ریاض العلماء، ج ۳، ص ۳۲۱-۳۲۳) همچنین در شرح حال علم بن سیف بن منصور مطالبی درباره شرف الدین حسینی آورده است. متأسفانه در فهرست نویسی اطلاعات مهم نسخه به صورت کامل در فهراس ثبت نمی شود. در کتابخانه مجلس شورای اسلامی جلد سوم از کتاب مختلف الشیعة علامه حلی به شماره ۱۳۱۷ موجود است که کاتب آن در انجامة نوشته است: «تم الجزء الثالث من کتاب مختلف الشیعة فی احکام الشریعة ویتلوه فی الرابع بعون الله تعالی کتاب... علی یدی مصنفه ادام الله ایامه فی منتصف شوال سنة اثنین و سبعمائة و علی یدی العبد الضعیف المحتاج الی رحمة ربه اللطیف محمد بن محمد بن ابی طالب الابی فی سلخ شهر شوال سنة اربع و سبعمائة فی بلد الحلة حماه الله تعالی من کل بلیة فی المدرسة الشمسیة حامداً لله تعالی و مصلياً و مستغفراً». نسخه در زمان حیات علامه حلی (متوفی ۷۲۶) کتابت شده و کاتب که از شاگردان علامه حلی است مکان کتابت نسخه را مدرسه شمسیه ذکر کرده که علی القاعده باید نام مدرسه ای باشد که علامه حلی در زمان اقامتش در حله در آنجا به تدریس مشغول بوده است. از آنجایی که اطلاعات اخیریه صورت ناقص در فهرست آمده، در منابع بعدی نیز مطالب اخیر از قلم افتاده است. بنگرید به: فهرستگان نسخه های خطی ایران (فنخا)، ج ۲۸، ص ۷۱۹. به عنوان مثال درباره روابط میان فخرالمحققین با برخی اعیان شهرکاشان اطلاعات خوبی در میان نسخه های خطی وجود دارد. به عنوان مثال دانسته است که فخرالمحققین با فردی به نام تاج الدین ابوسعید بن عماد الدین حسین بن محمد بن احمد کاشی ارتباط داشته و به او اجازه روایت رساله ثلاث و اربعون حدیثاً عن النبی صلی الله علیه و آله را در آخر شعبان ۷۵۹ در حله داده است. فرد اخیر خود کاتب نسخه ای از کتاب قواعد الاحکام که نامش در انجامة نسخه حسین بن ابی الحسن بن محمد ابن حسن الکاشانی آمده که در هفتم صفر ۷۲۸ از کتابت قواعد فراغت حاصل کرده و نسخه به شماره ۵۶۴۳ در کتابخانه مجلس است. شاگردان ایرانی علامه حلی که برخی از آنها در شام یا عراق اقامت گزیده اند، نقش مهمی در کتابت آثار علامه و ترویج آنها داشته اند. به عنوان مثال زین الدین / شرف الدین علی بن حسن بن حسین بن حسن سرایشنوی ساکن و متولد در کاشان یکی از این افراد است. وی استاد روایی رضی الدین عبدالملک بن اسحاق بن عبدالملک بن فتحان قی کاشانی (زنده در ۸۵۱) و عطاء الله بن اسحاق بن ابراهیم حسینی است که تعدادی از آثار علامه به خط او موجود است از جمله تسلیک النفس الی حظیره القدس که در ۷۱۵ یا نسخه ای از نهج المسترشدين که در ۷۱۵ کتابت کرده است. همچنین نسخه ای از کتاب مبادی الوصول الی علم الاصول علامه حلی در کتابخانه بریتانیا موجود است که علی بن الحسن بن الرضی العلوی الحسینی السرابشوی در ۷۱۵ کتابت کرده است (نجز الکتاب علی یدی العبد الضعیف المحتاج الی رحمة الله تعالی علی بن الحسن بن الرضی العلوی الحسینی السرابشوی فی سلخ رجب سنة خمس و سبعمائة حامداً مصلياً). سرایشنوی نسخه را نزد فخرالمحققین خوانده و وی اجازه روایت کتاب را بر ظهر نسخه به خط خود نوشته است (قرأ علیّ المولی السید المعظم الحسیب النسیب شرف آل ابی طالب العالم الفاضل الزاهد العابد الورع زین الدین علی بن الحسن بن الرضی العلوی الحسینی السرابشوی کتاب مبادی الوصول الی علم الاصول قراءة تشهد بفضلہ و تدل علی علمه و قد أجزت له رواية هذا الكتاب عنی عن والدی المصنف ادام الله ایامه و كذلك أجزت له رواية جميع ما قرأتها و رویتہ و أجزلتی روایتہ فلیرو ذلك علی الشرائط المقررة و كتب محمد بن الحسن بن یوسف بن المطهر فی غرة جمادی الأولى سنة خمس و سبعمائة و الحمد لله وحده و صلی الله علیه و آله و سلماً تسليماً كثيراً). نسخه مقابله و تصحیح شده و دارای بلاغ مقابله است که شاید خود کاتب یا شاخص دیگری این کار را انجام داده باشد (بلغت المقابلة مع نسخة قرئت علی الامام العالم فخر الملة و الدین ابن الإمام العالم الكامل مصنف الکتاب الحسن بن یوسف (بن) المطهر ادام الله ظلالهما).



ابی طی بوده و یادداشت هایی از علی بن ابی طی بزرگ های اول و دوم نسخه هست. اهمیت نسخه اخیر در این است که نشان می دهد کتاب تأویل الآیات پیش از ۸۹۹ تألیف شده است. مرحوم دانش پژوه نام مؤلف را شرف الدین بن علی حسینی استرآبادی نجفی ذکر کرده اما آیا این همان نامی است که در نسخه آمده؟ در هر حال مراجعه به این نسخه برای شناخت صورت نام صحیح مؤلف ضروری است.^۱

نکته آخر آنکه شیخ حرگاه مطالب در دسترس خود را به صورت تلخیص شده در امل نقل کرده است. به عنوان مثال وی در شرح حال شهید اول، ماجرای شهادت وی را نقل کرده و در آخر آن گفته است: «...سمعنا ذلك من بعض المشائخ و رأينا بخط بعضهم و ذكر أنه وجده بخط المقداد تلميذ الشهيد». (امل الآمل، ج ۱، ص ۱۸۳). مطلبی که شیخ حر نقل کرده به صورت تفصیلی در بحار الانوار نقل شده است. در تلخیص مطالب فوائد متعددی از خبر حذف شده و صورت روشنتر آن در نقل امل مبهم شده است (بنگرید به: بحار الانوار، ج ۱۰۴، ص ۱۸۴-۱۸۶).^۲

مدرسه زینیه حله و نکاتی دیگر در باب آن

فهرست نویسی نسخه های خطی و انتشار فهرس نسخه های خطی جریانی روبه رشد در یک سده اخیر در کشور ما بوده و اکنون فهرست بسیاری از کتابخانه ها در دسترس قرار

۱. بنگرید به: محمد تقی دانش پژوه، فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران (تهران، ۱۳۳۹ش)، ج ۸، ص ۶۳۱-۶۳۲. برای نسخه های موجود از کتاب تأویل الآیات الظاهرة در کتابخانه های ایران بنگرید به: مصطفی درایتی، فهرستگان نسخه های خطی ایران (فنخا)، (تهران، ۱۳۹۱ش)، ج ۶، ص ۸۳۰-۸۳۳. شیخ حر در ابتدای کتاب امل الآمل (ج ۱، ص ۱۸-۱۹) به فهرستی از منابع خود اشاره کرده که از جمله آنها برخی اجازات بوده است از جمله اجازه شهید اول به ابن نجده (ج ۱، ص ۱۹) اما در شرح حال شهید اول (ج ۱، ص ۱۸۱)، به خطا اجازه اخیر را چنین معرفی کرده است: «وإجازة مبسوطه حسنة لولدی الشيخ علی بن نجدة رأيتها بخطه...». اما اجازه در اصل توسط شهید اول به شیخ شمس الدین محمد بن عبدالعلی بن نجده داده شده و به احتمال بسیار شیخ حرگاه به حافظه خود در نقل مطالب تکیه داشته است.

۲. از منابع مهمی که شیخ حر در تألیف امل الآمل از آن بهره برده، کتاب الدرالمشور تألیف شیخ علی کبیر است که مشتمل بر اطلاعات تراجم نگاری مختلفی درباره خاندان شهید ثانی و نوادگان او بوده است. همچنین کتاب الدرالمشور مشتمل بر بخش هایی از کتاب بغية المرید فی کشف عن احوال الشیخ زین الدین الشهید بوده است. شیخ حر با کتاب الدرالمشور آشنا بوده و حتی نسخه ای منتخب از آن برای خود کتابت کرده که اکنون در کتابخانه مجلس شورای اسلامی به شماره ۱۳۶۲ معرفی شده در فهرست نسخه های خطی مجلس سنای سابق (ج ۱، ص ۱۰۶) موجود است. شیخ حر عاملی مطالبی از کتاب الدرالمشور در شرح حال شهید ثانی (امل الآمل، ج ۱، ص ۸۸-۸۹) و بهاء الدین محمد بن علی بن حسن عودی جزینی (امل الآمل، ج ۱، ص ۱۶۶-۱۶۷) نقل کرده و گاه به کتاب مذکور به عنوان منبعی که همان مطالب نقل شده را آورده نیز اشاره کرده است (امل الآمل، ج ۱، ص ۶۲ در شرح حال شیخ حسن صاحب معالم).



دارد. با این حال اشکالاتی در معرفی و فهرست نویسی نسخه‌ها وجود دارد که به دلیل کمتر در دسترس بودن نسخه‌ها، توجه و تلاش چندانی برای اصلاح این موارد صورت نگرفته است. با این حال مراجعه مجدد به نسخه‌ها و تطابق اطلاعات آمده در نسخه‌ها با آنچه که فهرست نگاران محترم ارایه کرده‌اند، نشانگر لزوم مراجعه مجدد به نسخه‌ها و فراهم کردن این امر برای پژوهشگران است چرا که اشکالات مختلفی در فهرست نویسی نسخه‌ها وجود داشته است. آنچه که اکنون لزوم این مطلب را دو چندان می‌کند، انتشار دو مجموعه مهم دنا و فنخا است که لازم است تا با اصلاح موارد از این دست خطاهایی که به واسطه فهرست‌های نسخه‌های خطی به این دو کتاب راه یافته را اصلاح نمود.^۱ مواردی که نگارنده در مراجعه به نسخه‌هایی کتابخانه مجلس متوجه اشکالاتی در آنها شده، به قرار زیر است:

در کتابخانه مجلس به شماره ۴۷۰۵ نسخه‌ای از کتاب مصابح السالکین ابن میثم بحرانی موجود است که کاتب آن شخصی به نام حسین بن محمد بن حسن جوقانی عاملی در فهرست (ج ۱۳، ص ۸۸) معرفی شده است. مراجعه به نسخه نشان داد که اولاً کتاب

۱. از دشواریهای فهرست نویسی نسخه‌های خطی، پاک شدن برخی مطالب آمده در ظهیر النجامة نسخه است که مشتمل بر نام کاتب یا مالکان نسخه است که دلایل مختلفی دارد گاه مالکان بعدی سعی کرده‌اند تملک مالک پیشین را از بین ببرند، یا نسخه دارای عبارت وقف بوده و پس از سرقت سعی شده تا وقتی بودن آن پنهان شود یا خیلی ساده، گذشت زمان و به دلیل در دست قرار گرفتن نسخه عبارت‌های نوشته شده با جوهر ظهیر یا پشت نسخه از بین رفته است. در چنین مواردی طبیعی است که فهرست نگاران نیز تنها به آنچه که امکان خواندن دارد، اکتفا کنند. در کتابخانه مجلس به شماره ۵۲۰۷ نسخه‌ای از کتاب شفاء ابن سینا (بخش سماع طبیعی تا آخر السماء والعالم (الجزء الخامس) وجود دارد که چنین مشکلی دارد. مرحوم منزوی که کتاب را فهرست کرده (فهرست مجلس، ج ۱۶، ص ۳۹) در توصیف نسخه آورده‌اند که نسخه کهن است و از سده هشتم و در ادامه از افرادی که نسخه در تملک آنها بوده‌اند به ابوالقاسم الحسن بن داود بن الحسن البرقوهی مولداً الارانی محتداً و ابوالمظفر بن ابی عبدالله الحسین... ابی المطهر... و محمد فاضل بن ملا علی جیلانی اشاره کرده‌اند. مراجعه به نسخه و در نظر گرفتن این مطلب که حسن بن داود بن حسن البرقوهی کاتب نسخه‌ای مهم و نفیس از شرح اشارات خواجه نصیرالدین طوسی در کتابخانه آستان قدس رضوی به شماره ۶۸۶۶ است به تکمیل و اصلاح مطالبی که مرحوم منزوی آورده، کمک می‌کند. بخشی از بزرگ اول که عباراتی بر آن درج شده، در جریان ترمیم نسخه به زیر بدرقه رفته اما تا حدی می‌توان آن را خواند و ظاهراً عبارتی دال بر تملک باشد که بخشی‌هایی از آن هنوز قابل خواندن است و چنین است: «لکاتبه الی ملک... ابی القاسم الحسن بن داود بن الحسن البرقوهی مولداً الهمزادی محتداً... من الله و تفضلاً... عنایته و توفیقه»، در زیر آن تملک دیگری است که متن آن چنین است: «فی نوبه ابی المطلب بن ابی عبدالله الحسین ابی المظفر... رزقه الله الدارین بحق محمد». نسخه تملک دیگری و شاید کهنتر نیز دارد (هبة الله بن احمد بن عبدالواحد نفعه الله تعالی بالعلم) که در بخش پایین نسخه نامش آمده و حسن بن داود بن حسن مالک بعدی نسخه پس از وی بوده و در زیر عبارت مالک کهنتر یعنی هبة الله بن احمد نوشته است: «ثم صار لعبدالله ابی القاسم الحسن بن داود بن الحسن البرقوهی مولداً الادانی الهمزادی محتداً... و جزى الواهب المحروم خيراً».

مشمول بر سه جزء از ظاهرا پنج جزء مصباح السالکین است و دیگر آنکه شهرت کاتب نسخه جویانی است و کاتب خود به دقت شهرت خویش را کتابت کرده و اعراب گذاری کرده است. در انجنامه هر جزء کاتب اطلاعات دقیقی ارایه کرده که در فهرست نشانی از آن نیست. در برگ ۱۱۹ ب، پایان جزء اول انجنامه کاتب چنین است:

«...والعصمة وبه الحول والقوة تم الجزء الأول من هذا الكتاب ويتلوه في الثاني ان شاء الله في الجزء الثاني ومن خطبة له عليه السلام فان الأمر ينزل من السماء الى الارض كقطر المطر وكان الفراغ من كتابته عند الزوال يوم الأحد السابع والعشرين من شهر شعبان المبارك لسنة تسعة وثمانين وسبعمائة على يد العبد الضعيف عملاً، الجسيم املاً، الكثير زللاً حسين بن محمد بن الحسن الجویانی العاملی عفی الله عنه وعن والديه وعن الداعی له بالعفو والغفران وذلك بالحلّة السيفية بالمدرسة الزينية المجاورة لحرم مولانا وسيدنا واماننا الإمام المفترض الطاعة على كافة الأنام محمد بن الحسن صاحب الزمان صلوات الله عليه وعلى آبائه الطاهرين المعصومين وسلم كثيراً والحمد لله أولاً وآخراً وظاهراً وباطناً... وكان النسخة التي كتبت منها وقد لحقها بللت كثيرة الطمس وهي بخطوط شتى وبعضها بخط المصنف مقبلة الاوراق والكراريس مما قدرت على قرأته كتبتة ومالم اقدر عليه اخلت له بياضاً في عدة مواضع وانا من وراء طلبه وتصحيحه ان شاء الله وبالله التوفيق».

مطالب مهمی در انجنامه آمده است؛ نخست نسخه اساس کتابت نسخه ای بوده که بخشی از آن بخط مؤلف بوده و دیگر آنکه کاتب اشاره نموده که در حله و در مدرسه مشهور زینیه مجاور مقام صاحب الزمان در آن شهر نسخه را کتابت کرده و از استتساخ این بخش از نسخه رادر شعبان ۷۸۹ در آنجا فراغت حاصل کرده است.

در صفحه عنوان جزء اول که متأسفانه کمی آسیب دیده نام کتاب چنین آمده است:

«الجزء الاول من كتاب مصباح السالکين شرح نهج البلاغة من كلام امير المؤمنين عليه السلام تصنيف الشيخ العلامة قدوة المحققين وقطب السالکين ميثم بن علي بن ميثم البحراني قدس الله روحه و طهر رمسه و حشره مع ائمة الطاهرين بمنه و فضله».

در صفحه عنوان جزء دوم (برگ ۱۲۰ ب) نیز همین عنوان آمده جز آنکه به جای الجزء الاول، الجزء الثاني آمده است. در برگ ۱۲۰ ب، یک عبارت تملک از جمال الدين عبدالله حسینی جرجانی در اصفهان به تاریخ صفر ۹۲۰ دیده می شود؛ و دو عبارت دال بر بیع نسخه و



تملك دو مالک بعدی نسخه که متاسفانه دو عبارت بیع تاریخ ندارند. عبارت تملك جمال الدين عبدالله حسینی جرجانی چنین است:

«من كتب عند عبد امير المؤمنين قيلة الموحدين صلوات الله عليه جمال الدين عبدالله الحسيني الجرجاني اوتيا كتابهما بيمنهما حررت ذلك باصفهان في صفر سنة ٩٢٠ يا ٩٣٠ في زمان كان ... يبيد الخاقان اي السلطان ابن الشاهنشاه مالك ارضه ... المؤمنين خلد الله نصره و عدله».

یکی از این دو عبارت به همراه سجع مالک بر نسخه چنین است:

«بسم الله قد انتقل بالبيع في ملك الأقل محمد على عبدالله بن عز الدين عفى عنه وعنهم».

نسخه بعدها در اختیار شخص دیگری به طریق بیع قرار گرفته که نامش نظام الدین

گیلانی ذکر شده و مهربیضوی او نیز در زیر عبارت بیع چنین آمده است:

«قد انتقل بالبيع الصحيح الشرعى الى العبد الاقل نظام الدين گیلانی».

در پایان جزء دوم (برگ ۲۲۶ الف) کاتب نسخه در انجامه چنین نوشته است:

«... وهذا آخر الجزء الثاني من شرح نهج البلاغة و على الله قصد السبيل و هو حسبي و نعم

الوكيل و فرغ من كتابته العبد الضعيف عملاً الجسيم املاً الكثير زلاً الراجى رحمة ربه و شفاعة

نبيه محمد صلى الله عليه و آله حسين بن محمد بن حسن الجوتیانی العاملی المجاور بالمشهد

المقدس الغروی صلوات الله و سلامه على مشرفه ضاحی نهار الخميس الخامس عشر من شهر

صفر ختم بالخیر و الظرف لسنة تسعة و ثمانين و سبعمائة و الحمد لله اولاً و آخراً و ظاهراً و باطناً».

جویانی در زیر عبارت انجامه خود، انجامه اصل نسخه را نیز یادقت چنین نقل کرده است:

«صورة خط المصنف المنقول منه: وهذا آخر الجزء الثاني من شرح نهج البلاغة و على الله

(ظ) قصد السبيل و هو حسبي و نعم الوكيل و فرغ من كتابته احوج الخلق الى عناية ربه مصنفه

ميثم بن على بن ميثم البحرانی في صفر من سنة اثنتين و سبعين و ستمائة حامداً لله و مصلياً

على رسوله محمد النبي الامى و على آله و مسلماً».

جویانی در اینکه جزء سوم با شرح چه خطبه ای آغاز می شود، در زیر عبارت اخیر نوشته

است: «و يلتوه في الجزء الثالث ان شاء الله تعالى و من خطبة له عَلَيْهِ السَّلَامُ نحمده على ما كان و

نستعينه من امرنا على ما يكون».

در کنار انجامه جزء دوم، عبارت مقابله و تصحیحی از مالک نسخه در قرن هشتم به نام

حسین بن معمر بن ابی الرضا حسینی چنین آمده است: «بلغت مقابلة هذا الجزء و هو الثاني

من شرح نهج البلاغة تصنيف الامام العلامة ميثم بن علي البحراني رحمة الله عليه ورفع... مع اولياء آل محمد وذلك مع من... بمقابله و ضبطه ولم اتمكن للعجلة في المقابلة... ما صححته الكاتب.. في غير موضعه والاعراب كذلك لان ذلك كثير ولكن ارجوان اصلحه بالنظر الكتاب وذلك يوم الخميس خامس عشر رجب المبارك سنة سبعين وسبعمائة وكتب حسين بن معمر بن ابي الرضا الحسيني مالكة عفى الله ولوالديه).

در آخرین برگ نسخه یعنی برگ ۳۴۲ و پایان جزء سوم، جویانی عبارات انجامة بجرانی را چنین نقل کرده است: «صورة خط المصنف المجلد الثالث من كتاب مصباح السالکين لنهج البلاغة على يدى مؤلفه المتجى الى عفوريه ورحمته ميثم بن علي بن ميثم البحراني فى اواخر شهر جمادى الأول من سنة اربع وسبعين وستمائة ولله الحمد والمنه و صلى الله على سيدنا محمد النبى الأُمى وعلى آله».

جویانی در انجامة خود به زمان و مکان کتابت جزء سوم در زیر عبارات انجامة ابن ميثم بجرانی چنین اشاره کرده است:

«وكان الفراغ من كتابته يوم الجمعة اصيل النهار على يد اضعف العبد الفقير الى رحمة ربه الغنى حسين بن محمد ابن الحسن الجَوِيَّانى العاملى المجاور بالمشهد المقدس الغرورى على مشرفه افضل الصلوات و اكمل التحيات وذلك بمدرسة مولى السيد تاج الدين عفى الله عن منشئها....»

بر اساس اطلاعات آمده در انجامة حسين بن محمد بن حسن جویانی در شعبان ۷۸۹ در حله به کتابت نسخه مصباح السالکين مشغول بوده و در همان سال از حله به نجف نقل مکان کرده و در مدرسه سيد تاج الدين نجف سکنی به قصد مجاورت، سکنی گزیده و در سال ۷۹۰ ديگر اجزاء کتاب را دست کم سه جزء اول را که در اختيار داريم، کتابت کرده است. در کتابخانه آيت الله مرعشى به شماره ۹۳۸۸ نسخه ای از مصباح السالکين وجود دارد که کاتب آن باز حسين بن محمد ابن الحسن الجویانى العاملی است که از کتابت جزء دوم در شنبه يازدهم جمادى الاولى ۷۹۱ در مدرسه سيد مرتضى جنب حرم حضرت امير المؤمنين فراغت حاصل کرده است. نسخه بعدها در تملك محمد بن ابراهيم بن ابى الحسن بن زين العابدين بن حسن بن حسين بن علوان حسینی بوده و سپس در تملك سيد عبدالله بن محمد رضا شبر. نسخه اخير نشانگران است که جویانی بعدها بار ديگر هنگامی که در نجف ساکن شده است، کتاب مصباح السالکين را کتابت کرده است. نسخه اساس کتابت نیز ظاهراً همان نسخه اصل



بوده که نسخه مجلس را بر اساس آن کتابت کرده است. در پایان انجامة نسخه ۹۳۸۸ مرعشی، جویانی عبارت انجامة اصل را کاملتر چنین نقل کرده است:

«تم الجزء الاول من هذا الكتاب ويتلوه في الثاني ان شاء الله ومن خطبة له عليه السلام اما بعد فان الامير ينزل من السماء الى الارض كقطر المطر، صورة خط مصنفه كاتبه مؤلفه المتجى الى عفو الله ورحمته على بن ميثم بن علي بن ميثم البحراني بمدينة دار السلام حرسها الله تعالى في اليوم السادس من ذي الحجة سنة ستين وسبعمائة والحمد لله وصلى الله على افضل المرسلين محمد وآله وسلم. ووافق الفراغ من كتابته على يد العبد الفقير الى الله حسين بن محمد بن حسن الجوتاني العاملي عفا الله عنه وذاك عند الزوال من يوم السبت التاسع... من شهر ربيع الآخر سنة احد وتسعين وسبعمائة بالمشهد المقدس الغروي على...».

در پایان جزء دوم نیز عبارت انجامة چنین آمده است:

«وهذا آخر الجزء الثاني من شرح نهج البلاغة وعلى الله قصد السبيل وهو حسبي ونعم الوكيل وفرغ من كتابته احوج الخلق الى عناية ربه مصنفه ميثم بن علي بن ميثم البحراني في صفر من سنة اثنتين وسبعين وستمائة حامداً لله ومصلياً على رسوله محمد النبي الامي وعلى آله ومسلماً هذا التاريخ المذكور اولاً صورة خط مصنفه قدس الله روحه ونور ضريحه ووافق الفراغ من كتابته على يد العبد الضعيف عملاً الجسيم املاً الكثير زللاً حسين بن محمد ابن الحسن الجوتاني العاملي عفى الله عنه وعن والديه وعن المؤمنين والمؤمنات وذلك بالمدرسة المعروف بمدرسة السيد مرتضى رحم الله منسجها المجاورة لحرم مولانا وسيدنا الامام المفترض الطاعة على الخلق اجمعين امير المؤمنين على بن ابي طالب عليه من الصلوات اتمها واكلها و من التحيات اكرمها وفضلها وذلك يوم السبت قبيل العصر الحادي عشر من شهر جمادى الاول من سنة احدى وتسعين وسبعمائة والحمد لله وحده وصلى الله على من لا نبي بعده بمحمد وآله وسلم ويتلوه في الجزء الثالث ان شاء الله تعالى ومن خطبة له عليه السلام بمحمد وعلى كان ونستعينه من امرنا على ما يكون».

به دلیل آنکه اطلاعات مربوط به این نسخه ها به صورت دقیق در فهرس منعکس نشده، اطلاعات آمده از آنها در فنخا نیز نادرست آمده و نمی توان دریافت که حسین بن محمد بن حسن جویانی عاملی دوبار نسخه ای از مصباح السالکین ابن ميثم بحرانی را به فاصله

اندکی و بر اساس نسخه اصل مؤلف کتابت کرده است.^۱



۱. بنگرید به: احمد منزوی، فهرست کتابخانه مجلس شورای ملی (تهران، ۱۳۴۶ش)، ج ۱۳، ص ۸۷-۸۸. مرحوم منزوی نام کتاب را حسین بن حمد بن حسن جوغانی خوانده و حتی اشاره ای به اینکه کاتب عاملی نیز هست، نکرده اند. خوشبختانه تصاویری از نسخه درانتهای فهرست (ص ۳۹۷) آمده که به واسطه آنها امکان شناسایی هویت کاتب نسخه مشخص شد. بنابراین باید در دنا و فنخا نام اخیر اصلاح شود. برای نسخه های کتاب مصباح السالکین بنگرید به: مصطفی درایتی، فهرستگان نسخه های خطی ایران (فنخا) (تهران، ۱۳۹۰ش)، ج ۲۹، ص ۷۴۳-۷۵۰ که نسخه مورد بحث مجلس ۴۷۰۵ در صفحه ۷۴۹ به شماره ۵۶ معرفی شده است. امتیاز نسخه ۴۷۰۵ مجلس سوای آنکه کتابت مصباح السالکین بر اساس نسخه به خط مؤلف می باشد، در این است که کاتب نسخه، نسبت خود را به صورت دقیق و حتی با اعراب گذاری کتابت کرده است. در کتابخانه علامه طباطبائی شیراز به شماره ۲۳۸ (نسخه پژوهی، ج ۲، ص ۲۱۴ و در فنخا، ج ۲۷، ص ۴۷۲) نسخه ای از کتاب اللعة الدمشقیة موجود است که حسین بن محمد بن حسن جوغانی مویسی به سال ۸۰۸ در نجف کتابت کرده است. شهرت او به خطا جوغانی مونس خوانده شده است که باید اصلاح شود. نسخه ۵۵۰۸ کتابخانه مجلس شورای اسلامی که عنوان شرح ترددات الشرائع در فهرست آن کتابخانه معرفی شده نسخه ای از کتاب ایضاح ترددات الشرائع است که در حله و در مدرسه صاحب الزمان کتابت شده است. کاتب در پایان جلد اول در اشاره به مکان کتابت نسخه نوشته است: «تمت ترددات الجزء الاول، والله الموفق للصواب بحمد الله تعالى ومنه وكرمه، والتصديق برسوله ووصيه وذريته وأهل بيته، وجميع رسله وأوصياء رسله وملائكته وكتبه على يد أضعف عباده، وأحوجهم الى عفوه ومغفرته ورحمته ورضوانه، على بن حسن بن علي بن المعلی فی يوم الاثنين سادس شهر صفر من شهر سنة ست وخمسين وسبعمائة، بمدرسة السبط المعروفة بمدرسة سيدنا ومولانا صاحب الزمان محمد بن الحسن صلى الله عليه وآله وسلم وعجل اللهم فی فرجه، ...». نمی دانم مراد از مدرسه سبط چیست؟ شاید نام قدیمی تر مدرسه باشد. در هر حال بررسی و یافتن دیگر نسخه های کتابت شده در مدرسه زینیه می تواند علت نام گذاری مدرسه و یا حتی نام آن در ادوار کهن تر را مشخص کند. کاتب در پایان جلد دوم اطلاعات بیشتری درباره خود آورده و نوشته است: «تم الكتاب والحمد لله حق حمده، وصلى الله على سيدنا محمد النبي وآله الطاهرين وسلم تسليماً كثيراً، برحمتك يا أرحم الراحمين، فرغ من تعليقه أضعف عباد الله وأحوجهم الى مغفرته ورحمته ورضوانه على بن حسن بن علي بن المعلی الحلبي محتداً والقطفيف مسكناً والقيرين مولداً نصف نهار الاربعاء حادى وعشرين من شهر صفر من شهر سنة ست وخمسين وسبعمائة ...». کاتب حلی الاصل در قطفيف ساکن بوده و در قرین دیده به جهان گشوده و بار دیگر سفری به حله داشته و در تاریخ مذکور نسخه کتاب ایضاح ترددات الشرائع را کتابت کرده است. بعدها شخصی به نام علی بن قاسم مشهور به ابن عذافة نسخه حاضر را با نسخه ای که ابن فهد حلی از کتاب حاضر برای خود کتابت کرده، مقابله کرده است (اتفقت المقابلة والتصحيح من أوله الى آخره بنسخة بخط شيخنا العلامة جمال الدين أحمد بن فهد قدس الله روحه والمفهوم من النسختين أنهما غير مقابلتين لكن بحسب ما أمكن وكتب الفقير على بن قاسم المعروف بابن عذافة عفا الله عنهم). نسخه مجلس یک برگ افتادگی دارد و نام کتاب در آن نیامده است اما در نسخه مرعشی نام کتاب و نویسنده کامل ذکر شده است. دوست عزیز عبدالحالق جنبی در تذکری مکتوب در خصوص نسخه اخیر به وجود مکانی به نام حله در قطفيف اشاره کرده اند و نوشتند: «...المعلی اسم جد لأكثر من أسرة قطفيفية قديمة. الحلة والقيرين: قريتان قطفيتان قديمتان ذكرتا في أكثر من وثيقة قديمة؛ ذكر الأولى في سجل (قانون نامه لواء القطفيف) عام ۹۵۹ للهجرة، وذكرت الثانية في وثيقة زادن عام ۹۳۷ للهجرة. والمرجح أن الحلبي نسبة إلى حلة القطفيف وليس حلة العراق والله أعلم». با این حال ایشان در مطلبی دیگر به ذکر نام مدرسه سبط یا همان مدرسه صاحب الزمان مشهور حله در این متن اشاره کرده و احتمال حله قطفيف را تصحيح کردند. عبارت بیع نامه ای هم در انجامة نسخه آمده که استاد ارجمند عبدالحالق جنبی آن را چنین خوانده اند: «انتقل بالابتیاع الشرعی إلى صاحبه العبد علی بن محمد بن محمد بن علی بن رشید المعلی».

